



# برخی ملاحظات پیرامون تاریخ انقلاب مشروطیت

۲۷۲

**xalvat.com**

رحیم نامور: رمینہ های تاریخی انقلاب مشروطیت ایران

مؤلف رحیم نامور



- ۱ -

بخش نخست

زمینه های تاریخی انقلاب مشروطیتدرآمد سخن

حوادث دورانهای تاریخی نه مجموعه ای پراکنده و غیر مرتبط از تصادفات بی منطق و نه ساخته و پرداخته اراده ی یک تازان جبار ویا روشنگران و مصلحین بشری، بلکه نتیجه منطقی و اجتناب ناپذیر یک رشته قوانین عینی است که بر جامعه حکومت میکنند. طبیعی است که قوانین عینی و اجتماعی از راه خود انسانها بوجود آمده و با دست انسانها عمل میکنند. اما همین قوانین چون بوجود آمدند و نضج گرفتند، مبدل به نیروی شگرفی میشوند که در خارج از حدود خواست عمومی راه میپویند. نقش برجسته گان سازنده بمثابه نمایندگان عوامل ذهنی البته کم نمیشود. آنها خطوط اساسی توالی حوادث را مسمی جویند. قوانین حاکم بر جامعه را کشف میکنند، راه استفاده از این قوانین را در پیش پای بشریت میگذارند، با عمل خود تکامل تاریخ را تسریع میکنند و مهر و نشان خود را بر درجات مختلف بر صفحات تاریخ باقی میگذارند. چه بسا تحولات دوران ساز تاریخی را میتوان سراغ کرد که یا نام افراد معینی بهم گره خورده است. این نوایخ و برجستگان خود آفریننده قوانین زندگی نیستند. اما با استفاده از این قوانین منشا تحولات دوران ساز میشوند. لنین بهمین مطلب اشاره میکند، آنگاه که میگوید:

” زندگی سیاسی اصولاً عبارت از یک زنجیر بی انتهای است که از یک رشته بی انتهای از حلقه ها تشکیل یافته است. هنر یک مرد سیاسی هم در همین است که آن حلقه ها را بیابد و سخت بان بچسبند که کمتر از همه ممکن است از دستش بیرون برود. و در لحظه حاضر از همه مهمتر است و از همه بهتر میتواند تصرف تمام زنجیر را برای دارنده این حلقه تضمین نماید.“ ( ۱ )

و هر تحول تاریخی بزرگی در آخرین تحلیل ناشی از ضرورت زمان است. انقلاب مشروطیت ایران - که با وجود همه نارسائیهایش عمدتترین تحولی است که جامعه ایرانی از صدر اسلام و شاید از آغاز حیات تاریخی خود تا آن زمان بخود دیده است - از این قاعده کلی مستثنی نیست. این انقلاب ” ترنج زرینی “ است که پرمور روزگاران و خاصه طی قرن نوزدهم بر روی ریشه های عوامل عینی و ذهنی داخلی و خارجی در شور و زار حیات اجتماعی ایران روئید. بررسی این زمینه ها برای شناخت هرچه بیشتر انقلاب ضرورت دارد.

( ۱ ) - آثار منتخبه جلد اول، صفحه ۴۶۲ ( ترجمه فارسی )



## اول زمینہ های مبنی انقلاب :

- ۲ -

xalvat.com

### ۱- در جهت داخلی \*

سلطنت دویست و چهل ساله صفویہ کہ بر روی خرابیهای ناشی از تاخت و تاز ویرانگر مغول و فتنه ها و تهاجمات امیر تیمور و اعقاب او بوجود آمد، در آغاز کار نقش مثبت خود را در حیات اجتماعی و اقتصادی ایران ایفا کرد. پادشاهان صفویہ گویا پنگه با قهر و غلبه و سرکوب بیرحمانه مخالفین و حتی در مواردی به قیمت کور کردن و یا از میان برداشتن برادران و فرزندان خود، اما بهر حال بوضع ملوک الطوائفی غیر متمرکز پایان دادند، ایران از هم پاشیده و متلاشی شد، و وحدت بخشیدند و یک قدرت مرکزی ظاهر و مستولی بوجود آوردند. بدین ترتیب از طرفی محیط امنی پیدا شد و دوران شکوفائی در زمینہ پیشرفت اقتصادی و تجارتی و توسعه صنایع دستی آغاز گردید، کہ تا اوامط سلطنت این سلسله باوج خود رسید، و حتی در اثر گسترش ارتباطات با جهان خارج برخی از مخترعات غرب با ایران راه یافت و من حیث المجموع در جامعه نکانی پیدا آمد.

اما از سوی دیگر همان عاملی کہ امکان نشو و نمائی اینچنین درخشان به جامعه ایرانی داد، سرانجام خود مبدل بهمانحی برای ادامه این تکامل گردید. این دوران شکوفائی، کہ اگر ادامه مییافت امکان داشت دیر یا زود ایران را در جاده یک تحول بنیادی به پیشبراند، دپیری نیاید و به ضد خود مبدل شد، استبداد مطلق سلاطین صفوی، قشریت وحشت انگیز مذهبی کہ پشتیبان این استبداد بود و خود از آن حمایت می دید، استثمار اسارت بار فتودالی، شرایط خرد کنندہ زندگی توده های کثیر نیم برده، محیط خفه کنندہ و بی حقی مطلق عمومی در برابر خواست و اراده فرمانروایان، مقدمات ضحف و انحطاط و سرانجام زوال این سلسله را فراهم ساخت. میدان یار دیگر بدست گرد نکشان تاراجگر محلی افتاد، امنیت از میان رخت برست. رکود جای رونق را در تمام زمینہ ها، خاصہ زمینہ اقتصادی فراگرفت. آنچه سپس با این مصائب افزودہ شد، یک رشته تاخت و تاز و قتل غارتهای ایلخارگران افغانی بود. کہ گرچه از لحاظ وسعت و دوام بهیچوجه با تهاجمات مغول و تاتار قابل مقایسه نبود، اما برای ایران خاصہ در آن شرایط بسیار گران تمام شد.

نادر شاه افشار با این تاخت و تازها خاتمه داد و دست استیلا گران افغانی را کوتاه کرد و دامنه فتوحات خود را تا قلب هند وستان گسترش داد، اما این پیروزیهای نظامی کہ تنها در سطح اجتماع ایران میلغزید پیداہ ای بود زود گذر. استبداد خشن و اعمال بیرحمانہ وی جامعه را همچنان در حال رکود معنوی نگه میداشت و از هرگونه تحرک جلو میگرفت. با اینجهت فتوحات درخشان او با خود شد رگورستان تاریخمند فون شد.



-۳-

پس از وی، نیکمردی و کم آزاری کریمخان زند نیز نتوانست باری از دوش جامعه بر دارد. وی از مقتضیات جهان نوین اطلاعی نداشت. شمشیرزنی چشم و گوش بسته و پی خیر بود. از کشورمداری جز آئین کهن چیزی نمیدانست. و خواهیم دید که این پی خیری و ساد ه لوحی او چه لطمه ای با استقلال معنوی ایران زد.

چون کریمخان در گذشت میدان بدست یکی از خونخوارترین جنگجویان یعنی آقا محمدخان سرسلسله قاجاریه افتاد که در اثر تاخت و تازها و قتل و غارت های بیرحمانه او جامعه ایران که بقدر کافی درمانده و پربیشان بود، پربیشان و درمانده تر گردید. وی البته توانست دیگر گردنکشان را بجای خود بشاند و قدرتی متمرکز بوجود آورد و بنظام قشودالی سر و صورتی بدهد. ولی این تمرکز نیز نتوانست گرهی از کار بگشاید. درد و آسودگی سلطنت جانشینان وی که عموماً افرادی نادان، کونه فکر، فاسد و مستبد بودند، وضوح ایران ازید به بدتر گرائید و چنانکه خواهیم دید تمام مقدمات زوال جامعه فرسوده و کهن بتدریج فراهم شد. خاصه که در همین گیر و دار بلائی دیرپای، سمج و مہرم گریبانگیر جامعه ایران شد و هرگونه مجال تنفس و تحرك را یکباره منتفی ساخت و در عین حال جامعه محضرتشودالی را بیش از یک قرن دیگر بر سرپای نگه داشت.

xalvat.com

۲- نفوذ استعمار در ایران

بلای که اینچنین بجان ایران افتاد و آنرا در شبکه تارهای شیطانی خود بچهار میخ کشید، رخنه قدرتهای استعمارگر بود. اینک مدتی میگذشت که اروپا از خواب گران رخوت و رکود قرنهای گذشته بیدار شده بود و بیکر در هم کوفته خود را آرام آرام از زیر بسار خفه کننده اصول قشودالیه، چهل و تعصب قرون وسطایی کلیسائی بیرون میکشید. در درون شهرها طبقه تازه ای نیرو میگرفت. روابط نوین اقتصادی نشو و نما مییافت و دره های متعدد پولادین و مصبور قشودالیزم را بر روی خود میگشود. بهمهرا این تحول بالضروره زنجیر خرافات کلیسائی بردست ویای فرهنگ و دانش میبوسید و یکی پس از دیگری فرو می ریخت. دنیائی تازه کشف شد و به نیروی اسلحه آتشین که بر اساس تکنیک پیشرفته تسری قرار گرفته بود تحت سلطه ی کاشفین قرار میگرفت. جهانگردان اروپائی چهار گوشه جهان را زیر پای میگذاشتند. در پرتو نفوذ اسلحه، سرزمینها را تصرف میکردند. بومیان را به اسارت میگرفتند. کلفتی بوجود میآوردند و راه هرگونه تحول و تحرك را بر مردمان این سرزمینها میبستند و ثروت های گران را بتارچ میبردند. تا حد زیادی بحد این ثروت های تاراج شده بود که در اروپا تراکم سرمایه با سرعت بیشتری انجام مییافت و سیساری از استعمارگران توانستند زمینه کافی برای صنعتی شدن و قدم گذاشتن به مرحله بحسدی تکامل را پایه گذاری کنند.



بد نبال این کلنی ها ، پرچم دولتهای مریوطه د سرزمینهای اشغال شده با هتزاز  
 د رمیاد . کشورهایمانند بریتانیا ، فرانسه ، امارك ، پرتغال ، اسپانیا و هلند با اتکا به  
 نیروی دریایی و اسلحه نوین خود و بارقاپنی حیوانی بسوی کشورهای تازه میرفتند تا آنها  
 را استعمار کنند . بازارهای تازه میجستند تا محصولات خود را بفروش برسانند . در  
 جستجوی خزان نوین بودند تا دست تاراج بسوی آنها دراز کنند . سرزمینهای تسازه  
 طلب میکردند تا مواد خام بدست آرند ، و هر قدر از این راه فربه تر میشدند ، قدرت  
 صنعتی ونظامی آنها در قبال بومیان وحشت انگیزتر میشد و آسانتر میتوانستند هر نیسروی  
 مقاومی را درهم شکنند . گویا ترین تصویر را درمانیفست کمونیست میابیم .  
 ” کشف آمریکا و راه دریایی دور افریقا برای پورژوازی که در حال ارتقا بود زمینسه  
 تازه ای بوجود آورد . بازار هند شرقی و چین واستعمار آمریکا ، مبادله با مستعمرات ،  
 افزایش وسائل مبادله و کالاهای بطور عموم ، به بازرگانی و دربانوردی و صنایع چنان ننگانی  
 داد که تا آنزمان بی سابقه بود و بدیسان تکامل سریع عناصر انقلابی جامعه فئودال راکه  
 در حال انحطاط وسقوط بود ، موجب گردید .

شیوه پیشین فئودالی یا صنفی تولید اکنون دیگر تقاضا را ، که بموازات بازارهای جدید  
 در کار افزایش بود ، نمیتوانست تکافو کند . جای آنها صناعت پدی گرفت . تقسیم کار  
 بین سازمانهای حرفه ای گوناگون از بین رفت و جای خود را به تقسیم کار در هر یک از  
 کارهای جدا داد . ( ۱ )

اما بازارها دائما در حال رشد و تقاضا پیوسته در حال افزایش بود . صناعت پدی هم  
 دیگر از عهد تکافوی آن بر نمی آمد . آنگاه بخار و ماشین در تولید صنعتی انقلابی ایجاد  
 کردند . صنایع بزرگ جدید جای صناعت پدی را گرفت و جای صنف متوسط صنعتی را  
 میلیونها صنعتی ، یعنی پورژوازی نوین گرفتند . ( ۲ ) [xalvat.com](http://xalvat.com)  
 ” صنایع بزرگ ، بازار جهانی را ، که کشف آمریکا آنها زمینه چینی کرده بود ، بوجود آورد .  
 بازار جهانی به تجارت و دربانوردی و ارتباط از راه خشکی بسط فوق العاده ای داد . این  
 امر بنوبه خود در توسعه صنایع تأثیر کرد و بهمان نسبتی که صنایع کشتیرانی و راه آهن  
 بسط مییافت ، پورژوازی نیز رشد و تکامل می پدی گرفت و بر سر راه خویش می افزود و همسه  
 طبقاتی را که بازماندگان قرون وسطی بودند به عقب میراند . ” ( ۳ )

۱ - این همان پیویا یست که تا اواخر سلطنت صفویه در ایران باوج خود رسید و  
 سپس بیکباره متوقف ماند . ن .  
 ۲ ، ۳ - مانیفست حزب کمونیست - ترجمه فارسی صفحات ۵۴ ، ۵۵ ، ۵۷ و



” بورژوازی هر جا که بقدرت رسید کلیه مناسبات فتودالی و پدرشاهی و احساساتسی را برهم زد. پیوند های فتودالی که انسان را به متحد و مین، طبیعی ”خویش وابسته می ساخت پیرجمانه از هم گسست و بین آدمیان پیوند دیگری جز پیوند نفع صرف و نقد پسته بی عاطفه باقی نگذاشت. همچنان مقدس جاذبه مذهبی، جوش و خروش شوالیه مآبانسه و شیوه احساساتی تنگ نظرانه را در آبیهای بیخزده حساسگریهای خود پرستانه خویش فرقی ساخت و قابلیت شخصی انسان را برایش میبادهای بدل ساخت.“<sup>۵</sup> و این طبقه صیقل یافته آنگاه که با قدرت اقتصاد و وفی فزاید خود در برابر کشورهای شرقی که با شرایط قرون وسطایی و در زیر یوغ حکمداران خود کامیونیزمهای فرئود استبداد میسر میبردند قرار گرفتند به سد استوار میبند شدند که راه هرگونه تکامل و تحریک را بر روی آنها بستند.

xalvat.com

در اقیانوس هند نیروی دریائی انگلستان، نیروهای دریائی اسپانیا و پرتغال را از میدان ید کرد. سرمایه داران بریتانیائی سلطه خود را بر شبه قاره هند وستان مستقر ساختند. شرکت هند شرقی بریتانیا که موقعیت متفوق نسبت بدیگر رقیبان خویش بدست آورده بود، بیثابه استوارترین پایه این توفیق، مقدمات استثمار کامل آن سرزمین را تدارک دید. از همان اوان تسلط، تاریخ روابط این کشور با هند وستان یکی از برجسته ترین نمونه هائی بوده است از قهر و غلبه سیاسی بدنیال استیلائی اقتصادی و توسعه بیغمای اقتصادی در زیر بال حمایت سلطه سیاسی. و نشان میدهد که امنای شرکت، این بورژواهایکه جز حساسگری خود پرستانه به هیچ ملاک دیگری در زندگی پای بند نبودند، چگونه بوسیله، تزویر، نفقتین، نفاق افکنی و رشوت دادن و به فساد کشاندن حکمداران محلی، خیانت نابکارانه به متحدین در پیروزی از طریق بند و بست با رقیب آنها و سپس رها کردن و سرکوب کردن و به خاک و خون کشاندن این متحدین، پایه استثمار بریتانیا را در آن سرزمین استوار کردند و با دست مأمورین نظامی بریتانیا بمنظور تحکیم این سلطه جهنمی چه چوپهائی از خون جاری گردید.

در چنین دوران پر جوش و خروشی ایران دچار حالت دو گونه ای بود. از سوشی بعلت شاهراه بودن بین شرق مستعمره و غرب استثمارگر و بیثابه یکی از شاهراههای معتبر تجاری مورد توجه محافل بورژوازی و قدرتمندای استعماری اروپا قرار میگرفت و به حلقه ارتباطات جهانی کشیده میشد. از سوی دیگر بعلت شرایط خاص اجتماعی، اقتصاد و سیاسی خویش نمیتوانست از این وضع بسود خود بهره برداری کند. اوضاع سیاسی ایران درهم و مغشوش، حکمداران از مقتضیات کشورداری نا آگاه، نواحی مختلف بعلت وجود رشته کوههای بلند و دشتهای وسیع و کویرهای غیر قابل عبور و فقدان وسایل ارتباطی و مواصلاتی مناسب که این نواحی را بهم متصل کند از هم پراکنده، روابط فتودالی و قرون وسطایی با عناصر هنوز عمد های از نظام پدرسالاری در این نواحی حکم فرما، اقتصاد عمومی ایران خاصه در روستاها اقتصاد طبیعی، نقاط مختلف کشور



- ۱ -  
از جهت سطح رشد اقتصادی و فرهنگی ناهمگون و دولت مرکزی در استقرار سلطه خود در نواحی دور دست ناتوان \* نهای این شرایط راه سلطه استعمار را در این سرزمین هموار می ساخت \* در اواخر قرن هیجدهم \* دیگر دولت بودند که بطور عمد ه ایران را از دستوی تحت استیلا \* خود قرار داده بودند و پیوسته بوسعت دامنه ی نفوذ خود می افزودند \* بریتانیای کبیر از سمت جنوب \* دولت تزاری روسیه از سمت شمال \*

[xalvat.com](http://xalvat.com)

### بریتانیای کبیر

شرکت هند شرقی بریتانیا برقراری روابط سود بخشی را با ایران و جبهه همت خود قرار داد \* سوابق ارتباط این قدرت نیرومند استعماری با ایران و موفقیت های عظیمی که از دیرگاه و از زمان شاه عباس بزرگ صفوی در زمینه ی کسب امتیازات سود آور نصیب عمال بریتانیا شده بود \* کار پر وارثین آنها آسان تر میساخت \* عمال سرمایه های بریتانیا طی قرن هیجدهم با حربه های معمولی اغفال و تیرنگ و در زیر نقاب دوستی در زمینه های مختلف اقتصادی - سیاسی و حتی حقوقی امتیازاتی بدست آوردند که پایه ی سپادت آیند آنها را در ایران استوار میساخت \*

این امتیازات که از زمان صفویه آغاز شده بود اینک دامنه ی گسترده بخود میگرفت - اما نه بموجب هر قرارداد بین الدول \* بلکه همچنان بوسیله صد و فرامین اختصاصی از طرف حکمداران ایران بمثابة عطایای شاهانه و عنایات ملوکانه با افراد مشخص و باموسسات معین \* فرمانی که کریم خان زند در سال ۱۷۶۳ بسود بازرگانان انگلیسی صادر کرد آنچنان امتیازات وسیعی را در مورد این بازرگانان روا میساخت که تا آنگاه نظیر آن دیده نشده بود \* حق تجارت آزاد و نقل و انتقال آزاد در هر نقطه ایران \* حق ورود و خروج آزادانه با ایران و از ایران \* حق وارد کردن کالا با معافیت های گمرکی در مورد برخی از عمده ترین آنها \* حق انحصاری وارد کردن منسوجات پشمین \* حق نامحدود خرید زمین و ساختن کارخانه و نصب توپ \* برای حفاظت این کارخانه ها \* بعلاوه یک رشته امتیازات قضائی بر پایه اصل کاپیتولاسیون بدوین اینکه چنین عنوانی بر روی آن گذارده شود \* از قبیل حق مراجعه مستقیم بدمیونین ایرانی شرکت و وصول مطالبات ادعائی "بهر طریق که صلاح میدانند \* " یعنی در این زمینه ها هم مدعی باشند و هم داور و هم قوه مجریه \* بعلاوه بموجب این فرمان مستخدمین ایرانی شرکت از پرداخت هرگونه مالیات بدولت ایران معاف و از لحاظ قضائی تابع شرکت مزبور شناخته میشوند \*

پس از کریمخان برادرزاده اش جعفرخان نیز فرمان دیگری صادر کرد که بموجب آن "امنیت کامل" برای بازرگانان انگلیسی تضمین شده بود \* بررسی چگونگی صدور این فرمان \* ما را به نکته مهم دیگری توجه میدهد \* اگر محرك اصلی حکمداران پیشین در



- ۷ -

در صد و فرامین زیان بخش، جهل و بیخبری آنها بود، اما می بینیم که از این پس اعضا ی این امتیازات بتدریج مبدل بیکی از شایق بقای حکمداران ایران، ابتدا در قبال رقبا ی قدرت طلب و سرانجام در قبال نهضت آزاد پنخواهانه و ملی خلق میشود. ایران آرام آرام در سراشیب وابستگی به قدرتها ی استعمارگر می افتد. [xalvat.com](http://xalvat.com) تمرکزی کما قاً محمد خان بوجود آورد نمیتوانست جلوی این پویش را بگیرد. برعکس پس از مرگ وی و از همان سالهای نخستین قرن نوزدهم سرعت سقوط در این سراشیب افزوده شد. بخصوص که در این زمان دیگر بسیاری از امرای و حکام و شیوخ جنوب ایران و سواحل خلیج فارس در حلقه حقوق بگیران هند شرقی بریتانیا در آمده بودند و آن قبله نماز میبردند. در سال ۱۸۰۱ با استفاده از چنین زمینه ی سیاسی و با پادرمیائی یکی از مأمورین زیر دست مستعمراتی بریتانیا، سر جان ملکم که شاه و صدر اعظم و دیگران را با نقد یم پیشکش می رام کرده بود، قرارداد هائی به ایران تحمیل شد که چه در زمینه ی سیاسی و چه در عرصه اقتصادی برای ایران مصیبت بار و اسارت آور بود. قرارداد سیاسی شاه قاجار را ملزم میساخت که هرگاه افغانستان در صد برآید بکمک راجه ها و فرمانروایان استقلال طلب هند بشتابد "خاقان گیتی ستان" قشون کوه بیکری "با ساز و برگ و مهمات مأمور نمایند تا آن مملکت را خراب و ویران نمایند". در عین حال چون از همان هنگام بیم آن میرفت که ناپلئون به فتح علی شاه نزدیک شود و موافقت او را برای قشون کشتی بسه هند و ستان از راه ایران جلب نماید، این قرارداد چنین امکانی را بکلی منتفی میکرد و دولت ایران را ملزم میکرد که با ناپلئون از در جنگاوستیز در آید. شاه و صدر اعظم وی تا بدان حد در این راه پیش رفتند که بموجب فرامین بتنام حکام و امرای شیوخ بین راه از تهران تا خلیج دستور دادند که هر فرد فرانسوی را در هر کجا ببینند، گرفتار کرده به دست ملکم بسپارند.

قرارداد تجارتی تماماً در جهت نقض حق حاکمیت و استقلال قضائی ایران تدوین شده بود و برای اقتصاد ایران زبانی هلاکت بار داشت. ماده چهارم به فعال بریتانیا اجازه میداد که مستخدمین ایرانی خود را بهر نحو که بخواهند بعلت "تقصیرات" آنها مجازات کنند و تنها هنگامیکه "قطع اعضای این مستخدمین و یا قطع حیات آنها را ضرور بدانند اجرای این مجازات ها را از حاکم محل" بخواهند. طبق ماده دیگری بتنام تابعین انگلستان و حتی هند بیهای مقیم ایران حق مسافرت آزاد و انتقال کل سرمایه از ایران داده شده بود. یک ماده دیگر، آهن و سرب و پارچه زرعی را که "مال و منافع مختص انگلستان میباشد" از هرگونه گمرک وارداتی محاف میکرد. گرچه بعد ها بعلت عهد شکنی بریتانیا فتح علی شاه موقتاً از آن دولت روگردان شد و نیز تحولاتی در عرصه سیاست اروپائی رخ داد و همه اینها مجالی برای بستن قرارداد مناسبتی با ناپلئون





پیش آورد، اما نفوذ بریتانیا در ارکان دولت شاه و ولیعهد نه در آن حد ماند بودگسه آسان برکنده شود. طبق قرارداد ی که بین فتحعلی شاه و ناپلئون بسته شد، ژنرال کاردان فرستاده ناپلئون با یک هیئت فنی فرانسوی با ایران آمد و برای ایجاد یک ارتش مدرن دست به اقداماتی زد. ولی طولی نکشید که ورق برگشت. سفیری از سوی بریتانیا بنام سرهارتفورد جونس با تفاق جیمس موریر که او را با کتاب هزل آمیز "حاجی بابا" مسی شتاسیم با هدایای گرانبها وسیم وزیر فراوان وارد ایران شده با تقدیم این "پیش کشی" دل شاه و درباریان را بدست آورد. تدبیریکه کار پرگاردان و هیئت فرانسوی بکلی تنگ شده تهران را بدون کسب اجازه از دولت متبوعه خود ترك کرد. تدوین کرد ریگزار سلطنتی ایران بمیدان تاخت و تاز انحصاری عمال بریتانیا مبدل شد.

[xalvat.com](http://xalvat.com)

### دولت تزاری روسیه

وجود مرزهای طولانی بین ایران و سرزمین روسیه، در جریان تاریخ ارتباطات دو کشور مورث نتایج بکلی د و گونه ای در جهت منفی و مثبت برای ایران بوده است. در طلی قرن نوزدهم ایران چنانکه خواهیم دید، میبایست متحمل منفی ترین آثار این همسایگی بشود. از سالهای آخر قرن گذشته در کنار این مشخصه منفی مشخصه مثبتی در جهت کاملاً مثبت بوجود آمد که خود ناشی از تحولات ژرف اجتماعی در داخل روسیه بود. این مشخصه در جریان انقلاب مشروطیت ایران و خاصه در مرحله دوم این انقلاب به بهترین نحوی بسود آزادی و استقلال ایران نظاهر یافت و سپس با انقلاب اکتبر باوج خود رسید. و مشخصه منفی نخستین را برای همیشه در گورستان تاریخ مدفون ساخت. شناخت کامل و عمیق جریان تکامل نهضت انقلابی در ایران و سپس تکامل ضد انقلاب و حوادثی که سرانجام شجر بانحراف سیر تکاملی انقلاب مشروطیت شد تا حد و زیاد میبستگی به شناخت این موضوع دارد. و هر پژوهنده تاریخ معاصر ایران کلید حل بسیاری مسائل مبهم و معما مانند را با شناخت این دو حقیقت میتواند بدست آورد.

ایران باقتضای اینچنین موقعیت جغرافیائی از آغاز قرن نوزدهم دچار يك رشته تصادمات داخلی با نیروهای تزاری گردید. متقابلاً باقتضای همین موقعیت جغرافیائی یکی از سرزمینهای بسیار معدودی است که در درجه اول و پنجم مستقیم از مواهب بی شمار انقلاب کبیر اکتبر برخوردار شد. درك این مواهب با همه گستردگی و ژرفای آن برای چنین پژوهنده های غیر ممکن خواهد بود مگر اینکه دولت تزاری را چنانکه باید بشناسد و به اهمیت آن بانعام فساد و ویوسیدگی و هاری و صلابت آن و مشابه چماق آهنین ارتجاع جهانی و یکی از د و خصم تیز چنگه آزادی ملل آسیا، پنجم شایسته ای بی برد و شامی آن قید و بند آهنین را که این دولت بنویه خود بردست وپای ایران استوار کرد و تنهیا



انقلاب کبیر اکتبر همه آنها را درهم شکست، آنگونه که شاید بیاید باز شناسد<sup>۱</sup> -  
در تاریخ مختصر حزب کمونیست اتحاد شوروی چاپ مسکو سال ۱۹۶۰ در تعریف  
روسیه تزاری چنین میخوانیم:

" روسیه تزاری زندان خلقها بود. طبقات استثمار کننده در کنار تزاریسم و  
سراسر ماشین دولتی مسبب و مسکول آن ستم و فشاری بودند که بر خلقها وارد میسازد.  
خلقهای غیر روسی که اکثریت ساکتین این کشور را تشکیل میدادند از هر حقوقی محروم  
بودند. آنها متحمل خفتها و حقارتهای بیشماری میشدند. اولیاء دولت تزاری  
خود سرانه بر آنها حکم میراندند و بد لخواه آنها را کیفر میدادند، فرهنگ ملی همه  
خلقهای روسیه مورد اختناق و حشمانه قرار داشت. بسیاری از این خلقها حق نداشتند  
بزیان ملی خود روزنامه منتشر کنند، کتاب بنویسند و کودکان خود را تحلیم دهند. انبوه  
مردم مشرق کشور در بهسواد ی بسر میبردند. تزاریسم شکنجه گر و دشمن خلقهای غیر  
روسی بود." (۱)

لنین روسیه را چنین تعریف میکرد: "کشور عظیمی با ۱۵۰ میلیون جمعیت که در رضایبی  
بس پهنای پراکنده است. از هر سو در معرض ظلم و بیادگری است. در ظلمت و  
جهل بسر میبرد و بوسیله ارکانی از مامورین پلیس و جاسوسان، راه هرگونه نفوذ زیان  
آفر بر وی بسته شده." (۲)

xalvat.com

"فقدان بدویترین قوانین از هر لحاظ، محرومیت بی-حقی در زندگی روس" و  
"اصلاح ناپذیری سلطنت تزاری و تمامی آن رژیم" (۳) اینها مسائلی بودند که لنین  
پیوسته بر روی آنها انگشت میگذاشت. وی تقریباً همه جا تزار را نیکلای خونخوار مینامید.  
ولی تنها مشخصه داخلی این رژیم نبود که وی در هر موقع بآن اشاره میکرد. او روسیه  
را نه تنها زندان خود ملتهای ساکن آن کشور میدانست بلکه تزاریسم را ژاندارم همه  
خلقهای آسیا و دژ سیاهترین نظامهای ارتجاعی مینامید. چنین بود ماهیت روسیه تزاری  
در اوایل قرن گذشته بین ایران و این دولت برخوردارهای متحدی رخ داد که یکی  
بعد از دیگری منجر بشکست قوای ایران گردید. و در سال ۱۸۱۳ کار را پامضای قرارداد  
گلستان کشانید. و این قرارداد زمینه را برای تحمیل قرارداد معروف ترکمانچای هموار  
ساخت. این هر دو قرارداد لطافت شد پدیده حیثیت و اعتبار ایران وارد آوردند. و  
آنها را بحق میتوان جزه اسارت پارتترین قرارداد هائی شناخت که بوسیله یک قسدرت

۱ - تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی - متن انگلیسی؛ چاپ مسکو

۲ - منتخبات آثار، ترجمه فارسی - جلد اول قسمت دوم ص ۳۴۸

۳ - منتخبات آثار، ترجمه فارسی - جلد اول قسمت دوم ص ۳۴۶



قاهر و غالب بر کشوری ناتوان تحمیل شده است. \* بموجب جزء تجارتي قرارداد آخیر - ایران اینک بطور رسمی استقلال گمرکی و حق حاکمیت خود را تا حد زیادی از دست داد. \* قلاده کاپیتولاسیون را رسماً بگردن گرفت و برسلطه سیاسی و اقتصادی دولت تزاری صحه گذاشت. \* در عوض تنها امتیازی که شاه قاچار در این میان بدست آورد، تفسیم سلطنت خاندان عباس میرزا و ولیعهد و نایب السلطنه بود. \*

فصل دوم این جزء از قرارداد، ثبت همه اسناد تجارتي بین ایرانیان و اتباع روسیه در ایران را در کنسولگریهای روسیه در ایران مقرر می داشت. \* فصل پنجم تصریح می کرد که مأمورین و کارکنان ایرانی حق ورود به موسسات اتباع روسیه را ولو برای رسیدگی بچراغ آنها هم ندارند مگر "با استیذان از وزیر مختار روسیه". \* بموجب فصل هفتم رسیدگی بدعاوی و مراعات بین اتباع دولین میبایست طبق قوانین روسیه و با داوری سفیر و کنسولهای مربوطه حل و فصل شود. \*

طبیعی است که این دو قرارداد ضربت بزرگی بر رشد اقتصادی کشور وارد ساخته و تکامل آنها متوقف کرد. \* عدم اختیار ایران در اقدام بکشیدن خط راه آهن که در یکی از مواد این قرارداد مقرر شده بود، عاقبت دیگری در راه رشد اقتصادی ایران بوجود می آورد. \* استقلال قضائی ایران بنحو خشنی خدشه دار شد. \* با وجود این، ذکر چند نکته در اینجا برای روشن شدن بسیاری حقایق تاریخی ایران ضرورت دارد. \* [xalvat.com](http://xalvat.com)

۱- انعقاد این قرارداد با یاد رمیانی مطلقاً خیانت آمیز سرگورا و زلی سفیر انگلیس و جیس موریهی سابق الذکر در آن سفارت انجام گرفت. \* آنچه در جریان سالهای دهه دوم قرن گذشته بین ایران روسیه میگذشت مصادف بود با بازهم تحولات نویی در پهنک سیاست اروپا. \* اتحاد ناپلئون اول و روسیه بهم خورد و اتحاد مجدد بین بریتانیا و دولت تزاری جای آنها گرفته بود. \* ناپلئون به روسیه حمله کرده بود، اگر در آنجنان شرایطی در ایران زمامداران و مستقلم وجود می داشتند میتوانستند در آن گیر و دار به تدوین قرارداد آبرومندانه توفیق یابد. \* اما شاه و ولیعهد وی بموقع مناسب بهیچ کاری سر نخاستند. \* سپس تیز زمام کار خود را بدست دوتن از مأمورین بریتانیا یعنی سفیر و دبیر سفارت بریتانیا سپردند و آنها را بسمت نمایندگی امین خود برای گفتگو با مقامات تزاری تعیین کردند. \* در تاریخ دیلماسی ایران کمتر مأمورین خارجی را توان یافت که بانسازة این دو نفر نسبت بوظایفی که بعهد گرفته اند تا پائین حد نادرستی از خود نشان دادند و در عین حال پائین اندازه از "نادرستی" مردم ایران فریاد و فغان برآوردند و با ایران و ایرانیان اینچنین دشنام داده یا شدند. \* آنگاه که پای آنها با ذریا بیجان رسید، نخستین کاری که آقای سفیر انجام داد آن بود که بافسران انگلیسی، که در خدمت عباس میرزا انجام وظیفه میکردند، دستور داد خدمت خود را ترك کنند و بانگلستان بازگردند. \*



عجز و العجاج عباس میرزا برای ابقا آنها بجائی نرسید و این موضوع را خیلی زود جیمز موریه با اطلاع فرماندهی نیروهای تزاری رسانید . بین این دو نماینده "ی دربار قاجاری شاه و فرماندهی قوای تزار که طبعاً دستورهاى محیی از طرف دربار تزاری باو داده شده بود ، ملاقاتهائی در ظاهر برای اصلاح ذات الهیین انجام گرفت که جزیک رشتنه بنسند و بستههای زیربرد و تلاش برای واداشتن دربار شاه به تسلیم چیزی دیگری نبود . موریر در باره يك فقره از این ملاقاتها مینویسد :

" همینکه جای صرف شد ، باژنرال مشغول مذاکره شدیم ، تا حال هیچ مذاکره سبباً با این اندازه سری نبود ، که بین من و ژنرال مذاکره شد . همینکه مذاکرات ما با تمام رسید ژنرال از خوشحالی دستهای خود را بهم زد و گفت : " حال شمشیر خود را کنار بگذار و خودت را راحت و آسوده کن . و خود نیز همین عمل را نمود و شمشیر و کلاه خود را کنار گذاشت . . . ( ۱ )

xalvat.com

آنچه خود سفیر بریتانیا و "امین" دولت ایران در سفرنامه اش مینویسد برای نشان دادن نقش بکلی خائنه ای این دو مامور عالیرتبه امپراطوری بریتانیا با اندازه کافی پرده و استتار پس از امضا قرارداد گلستان وی در سال ۱۸۱۴ از راه روسیه بسوی انگلستان شتافت و در روسیه بحضور تزار رسید . جریان ملاقات را از زبان خود او بشنویم :

" در ساعت ۱۳ ( ۲۸ اوت سال ۱۸۱۴ ) ما زم قصر امپراطور شدم . امپراطور جلو آمد و بمن دست داد و با دست خود مرا کشید ، نزد يك پنجره بود و گفت : من منتها درجه خوشحالم که با کسی آشنا میشوم که يك چنین خدماتی در مذاکرات صلح با ایمران بمن نموده است . این صلح به بهترین شکل از حیث منافع و شرافت انجام گرفته است . . . من در جواب گفتم : اعلیحضرتا این خدمات مختصر که سعادت مرا با انجام آن یاری نمود ، تا در ایران بجای آورم فقط قسمتی از وظایف من نبود و او آنها در اثر اطاعت اوامر دولت پادشاهی انگلستان است که بمن دستور داده شده است . . . ( ۲ ) ( تکیه روی جمله از نگارنده )

- ۱ - به نقل از تاریخ روابط ایران و انگلیس جلد اول ص ۱۱۹
- ۲ - تاریخ روابط انگلیس و ایران . . . جلد اول ص ۱۳۹ این استنباط محمود محمود کمالا درست است ، که امپراطوری بریتانیا با فتح ایران و همچنین شرافت و وظیفه شناسی مامورین خود را ( قربانی سازش با تزار روسیه علیه ناپلئون کرد . با این نوشته ی خود سرکوب اوزلی که محمود محمود نقل میکند توجه نمائید . " حال که خطر ناپلئون بر طرف شده صلاح در آنست که ملت ایران را گذاشت در همین حال توحش و بربریت باقی بمانند و هیچ نوع کمک و مساعدت برای بهبودی این ملت اعمال نشود . "



۱۴۰۰

۲ - اگر از لحن خشن و پیروزمندانه‌ی مورد قرارداد تجارتی بگذریم در بسیاری مسائل ماهیتا بین امتیازاتی که دولت تزار بموجب این قرارداد بدست آورد با مزایای عظیمی که بریتانیا و عمال آن تا آنگاه از روی "صلح و صفا" و بموجب فرامین تطییر فرمان کریمخان زند یا طبق قراردادهایی که طی دهه اول قرن نوزدهم بین ایران و بریتانیا منعقد شده بود بدست آورد، تفاوت زیادی نمی‌بینیم.

۳ - از این گذشته پس از انعقاد قرارداد اخیر بلافاصله دیگر دولت‌های اروپایی و در پیشاپیش آنها خود بریتانیا تحت عنوان "حقوق کامله الوداد" بسیاری از همان امتیازات عهدنامه تجارتی ترکمانچای را برای خود تأمین کردند و بدین نحو قتلاده کاپیتولاسیون بطور همه جانبه برای مدتی بیش از یک قرن برگردان ایران استوار ماند.

۴ - نکته آخر و بسیار عمده آنست که اگر در این جهت انقلاب کبیر اکتبر بهمی‌فجایع تزاری و تجاروات آن‌علیه حق حاکمیت و استقلال ایران خاتمه داد و تزاریسم را برای همیشه بگورستان تاریخ سپرد، از آن سو نظام مستعمراتی بریتانیا هر روز گسترده تر و جنبه اسارت بار آن شد بدتر شده و تنها شریک جرم آن تخییر یافته و جریان تاریخ اینک آمریکا را بمثابة سردمدار اردوگاه امپریالیستی جانشین تزاریسم روسیه کرد ما ست.

با همه اینها نمیتوان روحیه و حالت روانی خاص را که به ملت مجموعه رخدادهای ایران و بین فترهای وسیعی از مردم پدید آمد و رواج یافت نادیده گرفت. دولتست فتودال میلیتاریستی تزاری تمامی آن امتیازات را نه بموجب فرمانهای "دولستانه" بلکه به نیروی قهریه و در میدان پرهیا هوی جنگ بدست آورد. این وضع هم در جهان خارج و هم در بین مردم کشور انعکاسی بحق منفی و فوق العاده شدید پدید آورد و افکار عمومی مخصوصا در مناطق شمالی ایران علیه آن انگیزخته شد. در حالیکه نفوذ آرام و خزنده ولی استوار بریتانیا که مانند موریانه پایه استقلال ایران را میجوید نمیتوانست عکس العملی آنچنان شدید در خارج از حوزه جنوب بدست آورد. تنها در ثوابسی جنوبی که توده‌های مردم ضربت مشت‌های آهنین استعمار خفه کنند، بریتانیا را با تمام وجود خود احساس میکردند. اما جهان خارج باین دنیای درسته توجه نداشت. در خود ایران، در خارج از این مناطق آنها که دستی در کار داشتند در قیافه بریتانیسا رخسار دشمنی قابل تحمل را میدیدند و این نحوه برخورد بعدها در بسیاری موارد مورد بهره برداری سیاست بریتانیا در ایران قرار گرفت. بخصوص عدای از "رجال" خسود ایران که بعدها در لژ فراماسونری عضویت یافتند، در جهت تحریف این واقعیت‌های مربوط بتاریخ ایران باکسانی مانند پروفسور ادوارد براون بطور وسیعی همکاری کردند. شخصیت نمونه وار در بین آنها، نقی زاده است که در همه عمر مانند یکی از ابزارهای سیاست عمومی بریتانیا در ایران عمل کرده است. وی در خطابه خود در باشگاه مهران



- ۱۳ -

با تفصیل شایسته‌ای از تجاویزات دولت تزاری، ماهیت قرارداد ترکمانچای و مطالبی که از تاحیه آن دولت بر ایران وارد شد سخن می‌گوید. در این قسمت تاحدی حقوق سخن را دادا میکنند. نکته در آنجا است که وی نیز نسبت بطرف دیگر یا یکدیگر سخاوت است و با پامجملترین و کلیترین وجهی همه چیز را در یک جمله ی مبهم خلاصه میکند و می‌نویسد "همسایه یگرایان یعنی انگلیس همزه همین نوع تفضیلات را تاحدی نسبت یا ایران داشت." و از این که بگذریم وی در سراسر این خطابه در قبال تمام فجایع بریتانیای کبیر نسبت با ایران بسکوت متعهد خود بمنابۀ یک عضو وفادار فراماسوئری ادامه می‌دهد. چنانکه در جای دیگر می‌گوید "پس از استقرار تاحدی در روس و دادن امتیازات متوالی به روس و دادن یگرایان تاحدی و هیجان باطنی در تهران (آیا فقط در تهران؟) قوت گرفت." (تکیه‌ها از من است. ن.)

xalvat.com

- ۱۴ -

عباس میرزا پیش از آنکه بتواند جانشین پدرش شود در گذشت و بعد ها فرزندش محمدشاه بجای فتحعلیشاه به سلطنت رسید. وی مردی بود روحا و جسمنا علیل. در آغاز کار میرزا ابوالقاسم قائم مقام را بصدارت برگزید. وی در صدد اجراء اصلاحاتی از بالا برآمد. بر آن شد که از اعمال نفوذ بریتانیادرد را بچلوگیری. دانشجویانی را به اروپا اعزام داشت. اما طولی نکشید که در نتیجه تحریکات دائمی در ایران سود پرست و اعمال رنگ بریتانیا در دربار و با دستگیری مهد علیا همسر بی بند و بار شاه که یکی از اصحاب توطئه و از ابزارهای سیاست بریتانیا بود امر با اعدام این مرد مصلح صادر شد و بجای او حاجی میرزا آقاسی براریکه صد رات تکیه زد. وی بهمان قدر که عامی و از آئین کشور داری تا آگاه بود بهمان قدر راه جلب حمایت سیاستهای خارجی را برای تضمین صدارت خود خوب میدانست.

xalvat.com

در این زمان بریتانیا در زیر نقاب تزویر چلوگیری از برده فروشی و خدمت بحالم انسانیت خواستار استقرار نظارت خود بر خلیج فارس بود. خدمت نمایانی که این مرد شاید نسبت بدولت بریتانیا انجام داد عبارت بود از صدد و ر حکمی با امضای شاه که به کشتی های بریتانیا اجازه میداد برای چلوگیری از حمل و نقل غلام و کنیز سراسر خلیج فارس را جولانگاه خود قرار دهند و باین وسیله شیوخ سواحل خلیج را یکی پس از دیگر غاشیه کش سیاست استعمار بخود کنند. این در حکم سنگ بتائی بود که بریتانیا با استناد بآن توانست سرانجام خلیج فارس را مبدل به دریاچه بریتانیا کند و این دروازه هندوستان را زیر سلطه خود قرار دهد.

علاوه بر این بریتانیا توانست در زمینه دیگری نیز موفقیت درخشانی بدست آورد و قرارداد ی با ایران تحصیل کند که بر طبق آن بسیاری از مزایائی را که ترکمانچای برای دولت تزاری منظور کرده بود برای بریتانیا تأمین کرد و نفوذ بریتانیا در جنوب ایران دارای همان "قدرت قانونی" شد که نفوذ روسیه در شمال کشور دارا بود.



- ۱۵ -

از آن زمان حیل جاسوسان رنگارنگ برنایا با آزادی بیشتری در لباس جهانگردی و تاجر، و باستان شناسی و پزشکی سراسر ایران را بحرصه عملیات جاسوسی خود مبدل کردند. بسیاری از آنها زبان فارسی را بهمین منظور آموخته بودند. در لباس سید، درویش، مرد خدا و صاحب کرامت، در تمام نواحی ایران پراکنده شدند. قدم بقدم خاک ایران را نقشه برداری کردند. پیمان ایلات و عنایر رفتند. بنام پزشکی حتی در درون حرمسرای روسای ایلات راه یافتند. از خصوصیات و تمایلات روسا، گزارشهای مفصل تهیه کردند. بنام آزادی خواهی و بشردوستی آنها را علیه دولت مرکزی تحریک کرده و در زهر پال حمایت خود قرار دادند. و بدینسان زمینه نفوذ پایداری چه از حیث اقتصادی و چه از لحاظ سیاسی، برای برپانیا تدارک دیدند.

شکستهای متوالی دوران سلطنت مستحعلی شاه سوء اداره ی کشور در زمان محمد شاه، فشار مستعمراتی، دو قدرت قاهر و غاصب که از شمال و جنوب پیوسته بر وسعت تجاوزات خود می افزودند، رکوردکاره کسب در اثر استیلا ی روز افزون سوداگران خا رجی و سرازیر شدن سیل کالاهای آنها در بازارهای ایران، رواج روز افزون فقر و فلاکت عمومی، تشدید پیسده همه جانبه ی اجحافات درباریان و انحطاط مجموعه ی دستگاه واکنش های شدیدی در بین طبقات مختلف تولید کرد و مترقی ترین عناصر وابسته بحدود دستگاه را نیز ب فکر چاره اندیشی افکند. حشعهای پوشید مشتراکم عامه پس از مرگ محمد شاه به شکل عصبانیهای پراکنده و بی هدف و بدون نظم تغا هر کرد و بسیاری از نقاط و حتی حدود تهران دستخوش اغتشاش شد. منظور از این اغتشاشها تنها طغیان و سرکشی امرا و اشراف و مدعیان سلطنت یا رقیبان داری نیست که از دیر باز در ایران پس از مرگ پادشاه هان عادی و جاری بود. اینجا بحث بر سر قیامهای توده ای بورژوازی و خرده بورژوازی و دهقانی نیز، منتها در خامترین و بدویشترین اشکال این قیامها در میان است. فتنه محمد حسنخان سالار در خراسان نمونه ای از نوع اول است که پس از دو سال مبارزه و جنگ مغلوب گردید. اما در کرمانشاه و بروجرد این مردم بودند که بر حاکم های خود شوریدند. در بروجرد اموال حاکم بتاراج رفت و حدود او فسرار کرد. در کرمان مردم از ورود والی شهر که در خارج بسر میبرد و میخواست بشهر در آید جلوگیری کردند. جنگی در گرفت. نایب الحکومه بدست مردم افتاد ولی خود والی بشهران گریخت. در یزد گروه انبوهی بسریازخانه هجوم برده سریازهارا خلع سلاح کردند. در راس شورشیان یکی از لوطیان شهر قرار داشت که از پولداران پول میگرفت

xalvat.com

خطابه تقی زاده در پاشاه مهرگان . صفحات ۲۶ - ۴۱



- ۱۶۰ -

و بین افراد خود پخش میکرد بشرط آنکه آنها دست تجاوز به مال مردم دراز نکنند و جلو تجاوز را بگیرند .

در تهران با مرگ محمد شاه د و نوع واکنش بوجود آمد . از یکسو عقده چرکین تنمادهای داخلی بین خود هیئت حاکمه که در حقیقت سرپوش از روی آن برداشته شده بود سرریز کرد . گروهی از درباریان خود را به سفارت بریتانیا رسانیده اعلام داشتند که حاضر نیستند بیش از آن زیر بار فرما نروائی حاجی میرزا آقاسی باقی بمانند و متحد شدند که اگر ابرکنار خود تا رسیدن شاه تازه به تهران نظم عمومی را در دست بگیرد . سفیر بریتانیا با آنها فهمانید که در این زمینه موافقت نظر سفارت روسیه نیز ضرورت دارد . و آنها هم ضمن نامه های تقاضاهای خویش را به سفیر روس عرضه داشتند و بدین نحو در حقیقت از د و قدرت استعماری رسماً دعوت شد که با وسعتی پیش از پیش در کار ایران دخالت کنند .

xalvat.com

اما از جانب دیگر در همان لحظاتی که درباریان سرگرم این بند و بستها بودند در بین توده های بورژوازی و خورده بورژوازی و دهقانی قیامی اصیل بصورت مبارزه علیه حاجی میرزا آقاسی آغاز گردید . این مردم او را بمشابه مظهر فساد تمامی دستگاه که کشور را در سراشیب انحطاط و فلاکت به پیش رانسته بود مورد حمله قرار دادند . بین آنها و طرفداران حاجی زد و خوردی روی داد و این طرفداران خیلی زود از هم پاشیدند . حاجی شتایان به یافت آباد ملک شخصی خود رفت و در آنجا هم مواجه با طغیان و مخالفت رعایای خود شمس . بناگریز خود را بشاه عید العظیم رسانید و در آنجا پناهنده شد .

اما تمام این تحریکات بدون تدارک قبلی بدون انتظاط ، بدون سازمان متشکل و برنامه عمل صورت گرفت . مردم فقط میخواستند زهر چشم خود را بر حکام جاہر بریزند . باینجهت همه آنها یکی پس از دیگری شکست خوردند . اینها را در حقیقت ریشه های دور و بسیار ضعیف نهضتی میتوان بشمار آورد که پس از یک دوران شصت ساله پرنشیب و فراز سرانجام سر از زمین بیرون کشید و مبدل به نهال برومند انقلاب مشروطیت شد .

چنانکه میبینیم این تلاشها و کوششهای خام ، هم بدان سبب که هدف روشنی در پیش نداشتند و هم بدان جهت که پراکنده و غیر مرتبط بودند شکست خوردند و پس از آن یک دوران کوتاه آرامش توأم با یک رشته تحریکات ترقیخواهانه که در استقرار ایمن آرامش کمک کرد آغاز شد . سر رشته این تحریکات در دست یکی از شخصیت های نادر و کاروان عصر - میرزا تقی خان فراهانی بود که با اتفاق نساءالدین شاه به تهران





- ۱۲ -

آمد و در استقرار سلطنت وی نقش تعیین کنندہ ای ایفا کرد . مردم خیلی زود سیما یك مصلح بزرگ و دوستار استقلال ایران را در وجود او باز شناختند . وی موفق شد کسہ مدعیان رنگارنگ سلطنت و گردنکشان حاکم بر ولایات را سر جای خود بنشانند . هنگامیکہ ناصرالدینشاه با تفاق وی برای تصرف نخت سلطنت بسوی تهران راه میسپردند در داخل تهران توطئه بزرگی در شرف تکوین بود کہ سرنخ آنرا سفارت بریتانیا در دست داشت . و هدف آن بود کہ میرزا آقاخان نوری یکی از فرومایہ ترین عمال سرسپردہ ی بریتانیا بر مسند عبادت قرار گیرد . مہد علیا مادر شاه کہ شخصا با میرزا آقاخان سرو سوری داشت یکی از سردمداران این توطئه بود . میرزا تقی خسان بنا مہ شاه بہ میرزا آقاخان دستور داد کہ فوراً بمقر سابق خود - بہ کاشان - باز گردد تا بعداً تکلیف او روشن شود . ولی دخالت رسمی و ہکلی علنی سفارت بریتانیا و فشار مہد علیا از اجرای این دستور جلو گرفت و این مایہ فساد در تهران ماندنی شد . میرزا تقی خان از طرف شاه بصد ارت تعین گردید و ملقب بامیر کبیر شد . میتوان او را برجستہ ترین مصلحی دانست کہ از چند قرن باز ایران بہود دیدہ بود . هنگامیکہ او زمام کار را بدست میگرفت دنیا در آستان بزرگترین تحولات انقلابی در سراسر تاریخ قرار داشت و اگر تحریکات بدون تسست عمال استعمار و خاصہ مجریان سیاست مستعمراتی بریتانیا ی کبیر مجال دادہ بود ایران میتوانست با استفادہ از وجود او و با تکیہ بر زمینہ های مینی ، قدمہای بلندی در مسیر تحولات بردارد . امیر کبیر بتلاشی گسترده برای بیرون بردن ایران از ششدر غمغف و انحطاط دست زد . در مدت کوتاہ عبادت خود بکارہای بزرگی برخاست . اعتماد السلطنہ نویسنده های تاریخ منتظم ناصری با اینکه فرزند حاجب الدولہ قاتل امیر کبیر است وقاعد تانیمیا یست از امیر کبیر بہ نیکی یاد کند ، در بارہ اصلاحاتی کہ بدست وی انجام شد شمای مینویسد کہ قسمتہائی از آنرا ذیلا نقل میکنیم .

xalvat.com

” در این سال ( ۱۲۶۲ قمری ) روزنامہ دولتی حاوی اخبار داخلہ و خارچہ از طبیح خارج گردید . قراولخانہ در ہر نقطہ شہر تهران ساختہ شد . ۰۰۰۰ مقرر شد ماہی دو ، رتبہ یکی در اول و دیگری در پانزدہم ہر ماہ چاپار باذریا جان ، فارس ، گیلان ، مازندران ، کرمان ، حراسان ، اسنر آباد ، کرمانشاہ برود و مراجعت کند . کارخانہ چیت سازی در نهران و کارخانہ بلور سازی در قسم دایر گردید . مفتول دوزی در لباس اہل نظام معمول شد . شال چوخای مازندران طوری تکمیل شد کہ برای لباس سربازی بسپار بکار میخورد . ۰۰۰۰ سیورسات گرفتن ماموردیوان از رعیت متروک شد . آبلہ کوبیدن اطفال معمول گردید . ۰۰۰۰ امر معدن مس قراچہ داغ نظم گرفت . ۰۰۰ شال



## - ۱۸ - xalvat.com

گرمایند بطوریکه ترفی کرد و خوب شد که جای شال کتعبیری را گرفت ، منکر مازندران را به طوری تصفیه کردند که مثل مال هندوستان شد . . . . قنبران که برای مصرف توپخانه سه از روسیه می آوردند در رحمت آباد کیلان بقدر کفایت و بخوبی ساختند ، کار زراعت خراسان سر و صورت گرفت . . . در قزوین بجهت جلوگیری از سیل با امر دولت سدی شدید بسته شد ، جباخانه در همه بلاد ایران خاصه در تهران و ابرو و انواع اسلحه ساخته شد ، همچنین مهتاب جهت آتش دادن توپخانه ، پارچه و پنبه در کاشان ترتیب داده بنخامت ماهوت ولی لطیفتر و بادوام تر و هزار توپ از آن برای اهل نظام نوبی چهار - هزار پانصد دینار اشیاع شد ، جباخانه در اصفهان بنا نمودند که در هر ماهی سیصد ذبجه تنگ و هزار دسته فانسفو و سیاب سردازی در آن تمام میشد . . . در تهران و اصفهان کالسکه هایی ساختند که به خوبی کالسکه های ممتاز فرنگ بود ، قرار شد کنار پل سوختن را ببندند و سدی عم در جلوی شهر مشهور به هاشم بسته شود و آن بند و سد در این اوان تمام شد ، مدرسه دارالفنون ساخته شد ، معلمین خارجی برای علوم جدید و اکتشافات تازه و البته محلقه دول اروپا از قزقستان خریدند . . . ( ۱ )

اساسی ترین کارهای اصلاحی امیر کبیر در داخله معطوف به تنظیم امور مالی سر و صورت دادن بکار وصول مالیات و ایجاد قوای مسلح نیرومند ، جلوگیری از رشوه ، قطع راههای 'مداخل' حکام و دیپلماتین و ایجاد محیط امنی بود برای تکامل اقتصادی و بسط تجارت و رواج کارهای تولیدی از طریق تأمین دادن سرمایه داران برای بکار - اتداختن سرمایه های خود و از لحاظ سیاست خارجی معطوف بر برآنداختن نفوذ و قدرت امپریالیستی و تأمین استقلال ایران بود ، و با این اقدامات در حقیقت درخواست بهبود و اساسی طبقه تو خاسته بی سرمایه دار ایرانی بر آورده میشد .

اما با این اصلاحات برای خود از خارج و داخل دشمنان قوی پنجهای تدارک دید ، با کارگردانی سفارت بریتانیا و عیاشرت عهد علیا شبکه ی توطئه بزرگی در بیرامون او تنید ، شد ، سرانجام شاه فیضان عزل وی و سپس حکم قتل او صادر گردید ، و این جنم در روز - ۲۸ دیماه ۱۲۱۷ اجرا شد ، پس از وی میرزا آقاخان نوری که تا آخرین لحظه برگه تابعیت بریتانیا را در جیب داشت بر مسند صدارت فرار گرفت ، اما مرگ فاجعه آمیز امیر در داخل و خارج و آتش های شدیدی تولید کرد ، چون کار به آخر رسید ، همینکه جزئیات واقعه گمشود شد ماتم همه مردم را فرا گرفت ، و ' فاجعه نفت امیر کبیر را در سرناسر تهران نقل میکنند و بر امیر میگوریند و بر شاه و سد را عظم حالیه لعنت

- 19 -

میفرستند \*

از خارج شاه ۲ راجه با اعتراضات زیاد داد شد که عجیب ترین آنها اعتراضات -  
 شیادانه سفارت بریتانیا و وزارت خارجه آن دولت بود \* گلنر شیل وزیر مختار بریتانیا  
 که میدید توده مردم دیا هشیاری تمام انگشت روی عامل اصلی این فاجعه میگذارد برای  
 بی که کردن ضمن نامه ای بشاه چنین نوشت \*

" ۱۰۰ هرگاه دستار سکوت میکرد یحتمل تأویل دیگری میداد \* لذا بر خود  
 فرزند بسته باو بیای دولت ایران اظهار میدارد که دولت پادشاهی انگلستان این تلقی  
 کردن صدر اعظم سابق را با تعرتی بی حد و حصر متعصبانه حواصت نمود \* \* \* \* \*"  
 وزیر خارجه بریتانیا باین وزیر مختار چنین دستور داد :

" عا موهب بد دولت ایران اظهار کنید که دولت انگلیس تفاسیل این امر غنی و وحشی  
 منسأنه را با اثره و تغییر طبع شنیدند \* \* \* \* \* بد دولت ایران اعلام صریح خواهید داد که  
 هر گاه پس از این قتل بی ترجمانه امیر کبیر کتاهان دیگری از این قبیل صدور یابد بد دولت  
 انگلستان نازد خواهد شد که بدقت پیرسند که آیا شایسته فخر تاج انگلستان و تالیق  
 حقوق آدمی مشر انگلستان است که وزیر مختار انگلستان مغیم مملکتی باشد که در آنجا  
 مشاهده کند ارتدب اموری را که مضاد با انسانیست باشد \*

عزت شیل به شیون افتاده بود \* از این شور و شیون صد قهای معینی تعقیب میداد \*  
 بریتانیا ی کبیر با ارسال این نامه ی چند پهلو تنها دستم ای آلوده در خون خود را با  
 لحن حماسه ای شست \* با این بازیگری شیادانه در عین حال پایه صدارت میرزا آقا خان  
 توری تامل مطرب بریتانیا در حقیقت استوار میگردید \* \* \* نتایج صدارت وی که شرط قبول  
 خدمت \* را مرگ امیر کبیر قرار داده بود خیلی زود روشن شد \* در این دوران جناب  
 هاشمی بین ایران و قوای بریتانیا رخ داد و در تمام این نبردها بدون استثناء آقا خان  
 نوری از طریق کار شکتی و صدور قوانین حاکمانه زمینه شکست قوای ایران را فراهم ساخت  
 و کار را بانحقاد فرار داد \* پارس کشانید که ترا بحق از هر جهت عالی قرارداد ترکما  
 نجان دانسته اند \* بوجب این قرارداد قسمت عمده ای از سرزمین ایران از پیکر آن  
 جدا شد \* بریتانیا چه در زمینه ی سیاسی و چه در عرصه ی اقتصادی امتیازات وسیعی  
 بدست آورد \*

در داخله کشور بسیاری از اصلاحات و اقداماتی که امیر کبیر آغاز کرده بود متروک  
 ماند \* فلاکت عمومی تعدید شد \* ادامه ی تارقاتی گسترش ریاضت و زبان مردم پسه  
 بدقوش از دستمنه باز شد \*

عکس العمل ناصرالدینشاه بر ضدید بود \* او که در برابر قدرتهای پیکانه با خواری



- ۴۰ -

و خفت با پاهای مومین زانو میزد در عوغس برای در هم شکستن هر گونه تحرك در داخل کشور دستی آهنین داشت + دستگاه فشار بکار افتاد و شکار انسانها رواج یافت + در موارد توقیف شدگان را بدستور شاه در درون چاهی می افکندند و وی از بالای چاه آنها را گلوله باران میکرد و خاطر همایونش را تشفی حاصل میشد + میرزا آقاخان کرمانی از روشنفکران نامیرد اردرباره اوضاع زمان خود مینویسد :

" چنانکه ظلمها لا گرفته که رعیت یا مال، سکنه فراری و مملکت خراب شده + در بیرون ها از عدم امنیت غلوفتنه و آشوب است و در داخل رعیت بیچاره گرفتار شکنجه و چوب امرای دولت + تمامی عمال و رعیت و مباحترین بقسمی فقیر و گدا شده اند که یقینا تا دو سال دیگر مجبورند یکدفعه بحکومت جواب بدهند و با پا از دادن مالیات کنند زیرا بهیچوجه از دستشان برنی آید مالیات ادا کنند + + + "

xalvat.com

در اینجا خالف از فایده نمیتواند بود که نظری هر قدر محصل و کلی با اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران و تضاد های پر حدتی که جامعهی ایران را در هم میفشرد و بتدریج به اوج خود میرسید بیفکنیم +

چنانکه میدانیم جامعهی ایران دوره قاجاریه را قید و بند یک نظام ملوک الطوائفی قرون وسطائی و انحطاط یافته مانند سنگه آهنین در میان گرفته بود + این نظام در استبداد مطلق شاهی بی مسئولیت تضا هر مییافت + مشخصات عمده این نظام از لحاظ ارتباطات خارجی جنبه ی ضد ملی آن بود و این مشخصه در سطره دو قدرت استعماری بریتانیا ی کبیر و روسیه ی تزاری بر شئون اقتصادی ، سیاسی و نظامی ایران تظا هر مییافت و اعطای امتیازات پیاپی باین دو قدرت در طی قرون نوزدهم ایران را تا بحد یک کشور نیمه مستعمره تنزل داده بود که سرنویست اقتصاد ی آنرا سرمایه داران صاحب امتیاز و سوداگران خارجی بدست داشتند + و بازرگانان و کسبه داخلی در اکثر موارد در سایه ی آنها حرکت میکردند + شاه که در داخل مالک جان و مال و حیثیت مردم بود در برابر این دو قدرت تا بحد شگفتی آوری از خود ، زیونی و ناتوانی نشان میداد تا به آن جا که ناصرالدین شاه که خود یکی از عاملین عمده ی تشدید این وابستگی بود از دست مامورین خارجی در اندرون خود گریه میکرد و در دفتر خاطرات خود مینوشت :

" میخواهم بشمال کشور سفر کنم سفیر انگلیس اعتراض میکند + میخواهم بجنوب سفر نمایم سفیر روس اعتراض میکند + ای تقو بر این سلطنت که پادشاهش نه بشمال کشور و نه بجنوبش میتواند سفر کند + "

از جهت داخلی دستگاه حکومتی مبتنی بر چنین سلسلنتی مجموعه ای بود از فساد ، بیدادگری ، احتیاق ، تجاوزی بتد و بار بحقوق عمومی ، دسیسه و بند و بست و تحریکات



- ۲۱ -

دائمی در درون دستگاه حاکمه ، تاراجگری و تجاوز ، اخاذی ، رشوه دادن و رشوه گرفتن از عادی ترین کارهای دولتمندان و درباریان بود . شاه صدر اعظم را میچاپیسید . صدر اعظم جیب وزیران را خالی میکرد ، وزیر شروت امیر را بغارت میبرد ، امیر جیب داروچه و کلانتر را شاهی میساخت ، داروچه و کلانتر فراموشها را میدوشیدند و آنها هم توده های مردم بیدست و پا را .

xalvat.com

مشاعل دستگاه دولتی عموماً بعزاید داده میشد . امروز یکی پیشکش میداد و بمقامی میرسید و فردا کس دیگر با تقدیمی بیشتر داوطلب آن مقام میشد و اگر اولی از عهده ی تهیه آنچنان تقدیمی بر نمی آمد میبایست جای بد و بسیار . پاینجهت هر کس دستش بکاری بند میشد در درجه اول این وظیفه را در پرا بر خود قرار میداد که بخوراند و خود ده چندان بخورد و تا فرصت از دست نرفته بار خود را بندد .

اعتقاد السلطنه در خاطرات خود نمونه های مشخصی ذکر میکنند :

" عبدالعلی میرزای احتشام الدوله پانزده هزار تومان داده است حکومت خمسه را گرفته . " عبدالله میرزای حشمت الدوله ده هزار تومان داد حاکم استرآباد شد . . . . . صاحب دیوان با هشتاد سال عمر که همه را بخلط زندگی کرده است و قابل هیچ خدمت و ماموریتی نیست هشتاد هزار تومان داد حاکم کرمان شد . . . . . رکن الدوله را گفتند صد و پنجاه هزار تومان داد حاکم فارس شد . . . . . برای درمان چشم ظل السلطان سی هزار تومان به کاله چوشکی کحال معروف پارس داد هاند و او را بایران طلب نمودند . شاهزاده آزاد ه از تمام نعمای دینوی بهر مند است بیست و کرور پول دارد که پدر ناچارش ندارد . تجاوز از ده کرور جواهر ملک دارد و از سن مبارکش چهل و هفت سال زیاد تر نرفته است . شأن دارد تسلط دارد ، بعضی جلب این مکتب و اثبات قدرت بیشتر از هزار نفس محترم را به سم تیر و گلوله کشته . . . . .

راهنس تصویر از اوضاع عمومی ایران بدست میدهد :

" تجارت صنعت ابرهشم که در سالهای پیش یکی از منابع عایدی سرشار مملکت بود بواسطه ناخوشی پبله از بین رفته است . . . . . قحطی و خشک سالی که چندین سال طول کشیده است در سال ۱۸۷۲ به بدترین مرحله خود رسید و همین سبب شمسد که نواحی پر جمعیت از سکنه خالی شد . دهات و قراآباد تماما بخرابه ها بدل گردید . فقر و فلاکت و ناخوشی مسری در تمام مملکت احاطه دارد . در همان حال پول رایج مملکت از قیمت خود افتاده طوری شده است که از هر سخی و کوشش و عمل صنعتی جلوگیری شده است و امروزه تجارت آن بکلی معدوم گشته است .

" خزانه ورشکست قشون چیره و مواجب ندیده ، کارکنان فاسد ، مشاورین شاه



- ۲۲ -

بدون تصمیم و يك قوه مجریه جبهون و ترسو ، اینها و سایر معایب دیگر بد بختی را در این مملکت فوق العاده زیاد نموده و روز بروز هم بشدت آن افزوده میشود ، ( ۱ ) در این دستگاه وضع مالیات بگیری حساب و کتابی نداشت ، فرمان حکمرانی کسانی که مشاعل خود را به قبهتهای گزاف میخریدند در حقیقت سرخط مجاز ساختن تاراج توده های مردم بود ، مالیات هر حوزه را حاکم کتیرات میکرد و بنوبه خود آنها به فرمایشی و داروغه و کلانتر بمزایده میداد و دست آنها را در هر گونه اجحافی به کسیه و افزارمندان مردم بیدست و پا ، و ده نشینان بی پناه باز میگذاشت ، دهکات وضعی ده چندان فلاکت بارتر از شهرها داشتند .

xalvat.com

پروفسور ایوانوف مورخ و ایران شناس شوروی که انقلاب مشروطیت ایران را برای نخستین بار بر مبنای مارکسیستی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است مینویسد که در آستان قرن بیستم هفتاد و پنج درصد سکنه ایران کشاورز و دهقان بودند ، يك چهارم آنها را لرها و بختیارها و ایلات دیگر تشکیل میدادند که هنوز در شرایط پد ر شاهی زندگی میکردند ، يك پنجم سکنه ایران ساکن شهرها بودند و قسمت عمده آنها را افزارمندان تشکیل میدادند ، گروه عظیم دهقانان زمین نداشتند ، اینها زمینهای مالکین و فئودالها را بر مبنای اصل پنج عنصر کشت و زرع میکردند ، بر حسب سنتت دیرین فئودالی که قدرت قانونی بخود گرفته بود در تولید زراعت پنج عنصر بحساب میآمد ، زمین ، آب ، جفت گاو ابزار کار و دست انسانی که بهر يك از آنها يك پنجم محصول میرسید ، زمین و آب هموما بمالك تعلق داشت که از این بابت د و پنجم محصول مال او بود ، در مواردی که نظایر آن کم نبود ، تخم و حتی جفت گاو هم از طرف مالک تامین میشد ، و در چنین موارد کشاورز تنها د و پنجم و یا حتی يك پنجم محصول خود را میتوانست تملك کند و از این محل نیز انواع و اقسام مالیاتها را میبایست پردازد ، برای اریاب بیگاری کند و تخم مرغ و جوجه ی او را تامین نماید ، معمولاً زمین بانضمام کشاورزان فروخته میشد بدون اینکه خود کشاورز قابل خرید و فروش باشد ، پزشك و دارو برای این توده ی کثیر معنی و مفهوم نداشت ، فقر و گرسنگی یادگاری بود که از پدران به فرزندان بارث میرسد ، در يك زمان تنگدستی دهقانان تا بدان حد گسترش یافت که بواقع از عهده ادای مالیات بر نمیآمدند و در ازای مالیات دختسرکان خرد سال آنها را از آنها میربودند و میفروختند تا بدهی مالیاتی آنها را از این محل تامین کنند .



- ۲۳ -

بنا بر این تجزیه نیست که این شرایط تحریکات نسبتاً وسیعی را در بین دهقانان نیم برده با رنگ مذهبی و تحت لوای با بیگری باعث گردید. \* توده های ده نشین در چندین نقطه پنجاب و جوش افتادند. \* در خود تهران سو قصد نا موفقی علیه ناصرالدین شاه ترتیب داده شد که عاملین آن اکثراً ده نشین و پیرو کیش با بیت بودند چند تن از سو قصد کنندگان کشته و عده های دستگیر شدند و در زیر فشار شکنجه برخی از همفکران خود را معرفی کردند. \* توقیف جمعی بقیاس و سیخ آغاز گردید. \* و غالب است که دستگیر شدگان را بین اعیان و درباریان تقسیم کردند تا هر کس یعیل خود و با هر خفت و شکنجه ای که دلش بخواهد آنرا که اسیر دست او است بقتل برساند. قحطی بیان کن، شیوع و با فشار جنگهایی که از طرف دولت امیرالمیستی بر ایران تحمیل میشد فلاکت عمومی را شدت بخشید. \* حادثه ای که در خود تهران پیش آمد مقلیان بدست میدهد برای سنجیدن و فسخ محضت بار و لایات و نقاط دور افتاده. \* هنگامیکه ناصرالدینشاه از یکی از کاخهای خارج شهر خود وارد شهر گردید در سر راه هسمه جا مواجه با ازدحام هزاران افراد گرسنه از زن و مرد و کودک شد که در جلو ناواییها شیون میکردند و کمی نان برای کودکان مشرفا بفرگ میخواستند. \* هیجان عمومی بدان حد شدت داشت که شاه سراسیمه و وحشت زده با شتاب تمام بسوی کاخ شهری خسود شتافت و دستور داد درهای ارک را بستند. \* روزهای بعد ازدحام گرسنگان گسترش بیشتری یافت. \* شاه بجای هرگونه چاره جوئی دستور داد کلانتر شهر را بجرم آنکه نتوانسته بود جلو " مردم بیسرو پا " را بگیرد بطناب افکندند. \* [xalvat.com](http://xalvat.com)

این وضعیت تنها عده ای روشنفکران مترقی را بفکر چاره جوئی افکند بلکه در داخل دستگاه حاکمه جناح آگاهتر و واقع بین تر را در باره پایان چنین نحوی حکومتی نگران ساخت. \* فعال ترین و پیشروترین افراد این جناح را فراماسونها تشکیل میدادند که در صفحات آینده با تفصیل نسبتاً بیشتری درباره ای آنها خواهیم گفت. \* همه اینها شاه را متوجه ساخت که قدرت مطلقه او را خطراتی تهدید میکند. \* بسه اینجهت حاضر تند با اجرای آنچه ان اصلاحاتی در قلمرو سازمان دولتی موافقت کند که هم در آمله ای مردم امید ی بوجود آورد و جوش و خروشها را فرو نشاند و هم مخالفین متعلق بدستگاه حاکمه را راضی کند. \* هم او را یادشاهی تجدد پرور بقلم دهد و هم در عین حال تمام اختیارات را همچنان در دست خود متمرکز نگاه دارد. \* باینجهت از یکسو فرمان غلاظ و شدادی صادر کرد که بموجب آن لژهای فراماسونری که مرکز اجتماع درباریان و اشراف اصلاح طلب بود منحل شد. \* و در عین حال با اجرای یک طرح اصلاحی، که مبتکر آن میرزا ملکم خان و عرضه کننده آن میرزا حسینخان سپهسالار یعنی دولت از عده ترین سر جنبانان فراماسونری بودند، موافقت نشان داد. \* بموجب این



- ۲۴ -

طرح میبایست امور مختلف کشور تحت نظر نه وزیر فرار بگیرد که هر یک در قلمرو کسار خود مستقل از دیگری عمل کند و مجموعاً در برابر سپهسالار مسئول باشند. این هده ده نوری مجلس شورای دولتی را تشکیل میدادند و این مجلس تحت فرمان مستقیم شاه عمل میکرد. اما حتی این اندازه تقسیم محدود قدرت هم با مذاق شاه سازگار نبود و حسن نارهائی را در او برمی انگیزخت. از طرف دیگر این ترتیبات با مصالح عدای دیگر از دیرباز سازشنداشت و آنها را بکار شکنی و امیداشت. طولی نکشید که این مجلس اعتبار خود را از دست داد و سرانجام چون هیچ پایگاهی عمومی و توده های نداشتن کارش به تعطیل کشید.

سپهسالار که روی به قبله می فراماسوئری انگمستان داشت ظاهراً برای اینکه شاه را با رمز ترقیبات اروپا آشنا کند وسایل مسافرت وی را به لندن فراهم ساخت. شاه و صدراعظم تاریخ ارزندگی دشوار و مرگبار مردم در سال ۱۲۵۲ شمسی راه اروپا را در پیش گرفتند. ارمنان این مسافرت پرخرج قرارداد معروف رویتر بود که تمام منابع شروت زیر زمینی، اداره ای امور راههای شوسه و ارتباطات تلگرافی و تلفونی را در سراسر ایران در اختیار دارند. امتیاز گذاشت. انعقاد این قرارداد، بی سابقه که در حقیقت "حبه نامه"ی دار و ندار کشور بود در بین طبقات مختلف مردم عکس العمل شدیدی پدید آورد. تاجر و کاسب و روحانی مخالفین شخمی سپهسالار و مدعیان صدارت، وابستگان به سیاست روسیه ی تزاری، حتی عدای از شاهزادگان درجه اول بحلب و انگیزه های مختلف علیه این قرارداد یا بعنوان مخالفت با قرارداد صدا با اعتراضی بلند کردند. گسترش این تحریکات تا بدان جا کشیده بود که ناصرالدین شاه جزرات نکرد سپهسالار را با خود به تهران بیاورد.

xalvat.com

کسانی کوشید هاند این شور و جنبش را که لبه تیز آن متوجه سپهسالار بود جبرفا بحساب مخالفین خصوصی او بگذارند که تمیخواستند افکار این مرد اصلاح طلبی بسامان برسد. این استنتاج بکلی نادرست است. از اینکه مخالفان سپهسالار و دریا-ریان که با همان اندازه اصلاحات سطحی و بکلی بیرهق نیز سحت مخالف بودند، در این جنب و جوش شرکت داشتند تردیدی نیست. ولی اهرمی که حتی این گروه از آن استفاده کردند، همانا موضوع قرارداد رویتر بود که طبقات مختلف کشور علیه آن سر مخالفت برداشته بودند. اما بهر حال این نخستین بار بود که اداره ی ملوکانه شاه در برابر مخالفین رنارنگ بدین نحو سپر افکند. این عوامل عمده از طرفی و نارهائی دولت تزاری از اعطای اینچنین امتیازی برقیب جنوبی و در عین حال وسعت دامنه ی



- ۲۵ -

اعتیاز ، همه اینها سرانجام موجبات انحلال خود بخودی آنها فراهم ساخت .  
 اما از آن پس شاه دوبار دیگر رخت سفر بسوی اروپا بست و در جریان این آمد  
 و شد ها امتیازات دیگری به انگلستان و روسیه داده شد که عمده ترین آنها عبارت بود از  
 امتیاز تاسیس يك خط تلگراف در ایران که بغداد را به هند و سستان ارتباط میداد ، امتیاز  
 تاسیس يك خط تلگراف و تلفن داخلی بحمال بریتانیا ، امتیاز تاسیس بانک شاهنشاهی  
 به براد رزاده ی رهبر و ایجاد پریداد فزاینده نظارت افسران تزاری . ایجاد این سازم  
 مان از یکسو پایگاه نظامی عمده های را در ایران در اختیار دولت تزاری قرار میداد و قوای  
 مسلح کشور را بیک قدرت استعماری مسلط بر نیمی از ایران وابسته میساخت . از جانبی  
 از همان زمان این نخستین سنگ بنای سازمانی شد که در تمام طول موجودیت خود نه  
 برای دفاع از کشور در برابر سلطه ی دیگران بلکه برای سرکوب ساختن مردم ، ساخته  
 و پرداخته گردید و جز اینکه وسیله ی منکوب ساختن نوده ها ی مردم باشد خاصیت دیگری  
 نداشت و این سنت شوم از همان دوران برای نیروهای مسلح ایران باقی ماند .  
 تمامی این اوضاع و احوال مشخصات اساسی دوران طولانی سلطنت ناصری را  
 تشکیل میداد . همه اینها نارضائی عمومی را پرمی انگیخت . شاه برای اینکه مجالسی  
 به بروز و ظهور این نارضائی ها ندهد حلقه ی محاصره را برگردانگرد مردم تنگتر میساخت  
 کار تشدید اختناق و فشار بدانجا رسید که حتی استعمال کلمه ی " قانون " ممنوع  
 شد . ( ۱ )

اما اینها درد را چاره نمیکرد . نارضائی وسعت میگرفت . زبانها بخصوص بین  
 روحانیون نماینده ی بورژوازی و بازاریان به بدگویی باز میشد . مواد انفجاری بروی هم  
 میانباشت . اما هنوز میبایست سالیان چندی بگذرد و عوامل ذهنی کافی و لازم فراهم  
 شود تا این مواد با انفوریه منفجر گردند .

xalvat.com

دوم عوامل ذهنی انقلاب

## عوامل خارجی

در پژوهش زمینه های ذهنی انقلاب مشروطیت ایران پیش از پرداختن به عوامل داخلی  
 مناسب خواهد بود که نخست به سراع عوامل جهانی برویم که آثار آن خواه و ناخواه  
 در ایران راه یافت و در تدارك زمینه های ذهنی بین روشنفکران ایران و بعد اچریسان  
 انقلاب مسلح تأثیر ژرف خود را بنحو بارزی برجای گذاشت .

۱- مثلا میرزا حسین جان فروعی ذکا الملک در ترجمه روزنامه و مجلات خارجی هر جا به  
 کلمه " قانون " میرسید بجای آن کلمه " قاعده " را بکار میبرد .

## انقلاب ایران در رابطه با نهضت‌های جهانی

انقلاب کبیر فرانسه ، سر فصل انقلاب های بورژوازی اروپا ، قاطع ترین قیامی بود از سوی طبقه ی نوخاسته علیه مجموع سیستم فئودالی . این انقلاب که با پیگیرترین وضعی کمر فئودالیزم را شکست در عین حال تمام قدرتهای فئودالی اروپا را علیه خود بجنب و جوش واداشت تا بدان حد که دربار روسیه تکیه ناه سنتی فئودالیزم شرقی را با امپراطور اتریش پادشاه پروس این نمایندگان مرتجع ترین قشرهای حاکمه هر دو کشور برای جلوگیری از هرگونه واکنش انقلابی در بیک صفت قرارداد - صفتی که بعدا تاجداران اروپا در زیر لوای اتحاد مقدس بدان پیوستند . شعار این اتحادیه ارتجاعی چنین بود " دفاع از حق پادشاه فرانسه دفاع از حق تمام شاهان است . "

دولت تزاری تمام اتباع جمهوری خواه فرانسه را که در آن سرزمین سکونت داشتند بعنوان گنجه های خطر " اخراج کرد . دربار روسیه مبدل به تکیه گاه ارتجاع فرانسه شد فئودالهای فراری فرانسه که " حقوق خدا دادی " خود را از دست داده بودند - اکثرا روی بدین مأمن آوردند و دولت روسیه تمام وسائل تنعم را برای آنها فراهم ساخت و هر نوع ابزار کار تبلیغاتی را در اختیار آنها گذاشت . از فضای تیره و تاریک روسیه تزاری بود که صدای " فرانسه آزاد " صدای صاحبان " حقوق خدا دادی " علیه فرانسه ی یاعی ، " فرانسه ی جمهوری خواه " ، فرانسه هرچ و هرچ طلب و ماجراجو " در فضای اروپا و جهان طنین افکند .

دولت تزاری با تمام قوا نسبت به همه ی " تعهدات اخلاقی " خود در " اتحاد مقدس " وفادار ماند . آنگاه که آثاری از واکنش انقلاب فرانسه در لهستان پدیدار شد و فئودالهای لهستان برای نجات خود دست استمداد بسوی تزار دراز کردند . بیک صد هزار تنوای مسلح تزاری بیاری فئودالها شتافتند . و آنها این یاری را مانند بیک موهبت آسمانی پذیرا شدند و بیاری سرنیزه این حامیان " حقوق خدا دادی " نهضت شرقی لهستان را در هم کوبیدند و " میهن " را از " خطر هرچ و هرچ " نجات دادند .

با ایشمهاند یینه های تابناک انقلاب فرانسه حد و مرزی نمیشناخت . از جدا دیوارهای پولادین استمداد و ارتجاع میگذشت و براقکار و اذهان مردم رسوخ مییافت . ایسن " طاعون فرانسوی " که در زمان خود همان نقش را ایفا میکرد که " طاعون بلشویزم " در زمان ما راه خود را بهمه کشورها میگذشود و هیچ سدی از درندگی و خونخواری صاحبان قدرت فئودالی نمیتوانست جلواترا بگیرد .

در بررسی عوامل عینی انقلاب مشروطیت مشاهده شد که نهاجعات استحمارگران



- ۲۷ -

اروپائی در ایران و در پیشاپیش آنها امپراطوری بریتانیه و سپس امپراطوری روسیه از هما  
اواسط قرون هیجدهم روی به گسترش نهاد و زمینه های فراهم ساخت برای تمام آن مصائبی  
که در طول قرن نوزدهم گریبانگیر ایران شد . اما با انجام انقلاب فرانسه و سپس  
انقلابهای دیگر بورژوائی زهر کشنده ای استعمار بنحو اجتناب ناپذیری پاد زهر خود را  
هم با خود بایران آورد .

از همان اوائل قرن نوزدهم آثاری ولو محو و کم رنگ از امواج جبرهای مربوط با انقلاب  
فرانسه در ایران راه یافت و نخستین نشانه ها را در فکر و روح قشری از مردم دارای

xalvat.com

تعمیلات متمدنی وارد ساخت .

با کشیده شدن ایران به دایره بازار ارتباطات جهانی و باز شدن پای برخی  
از بازرگانان ایران بخارج و سپس از راه ترجمه محدودی از کتابهای راجع به حوادث  
انقلابی اروپا ، برخی مفاهیم انقلاب بورژوائی از قبیل قانون ، حاکمیت ملی ، برابری  
جمهوری ، انقلاب ، افتخار و خیزان راه خود را بداخل ایران گشودند و در قاموس  
لغات عمومی برای خود جایی باز کردند . برخی مامورین اروپائی نخستن داستانهای  
راجع به انقلاب را در گوش معاشران مورد اعتماد سرودن گرفتند . طبق قراردادی که  
در سال ۱۸۰۷ بین فتحعلی شاه و ناپلئون بسته شد افسران فرانسوی برای ایجاد  
یک ارتش نوین به ایران اعزام شدند . آنها در برابر کار شکنی های عمال بریتانیا و  
درباریان مزدور نتوانستند این وظیفه را بسر انجام برسانند . اما از آنجا که خود محصول  
انقلاب فرانسه بودند بمشابهی وارثین آن در برخورد با افرادی که در آنها استعداد  
درک دیدند حماسه های انقلاب ، جریان قیامهای توده های مردم ، چگونگی برگرداندن  
ریشه سلطنت استبدادی بورژوا و استقرار دموکراسی بورژوائی را که برای شنوندگی  
ایرانی در حکم افسانه بود زمزمه میکردند . زبان و ادبیات فرانسه منزلی یافت .  
از آن پس هم با وجود همی محدودیتهائی که مردم ایران را از دنیا جدا میکرد  
باز خیرهای مربوط به انقلابات دیگر اروپائی که در نیمه اول قرن نوزدهم انجام میگرفت  
بایران راه مییافت و یک قشر قابل توجه از روشنفکران متمدنی جامعه ی فتودالی را که  
روشنگران مشروطیت از بین آنها برخاستند تحت تاثیر قرار میداد .

عوامل داخلی - روشنگری و روشنگران ایرانی .

چنانچه اشاره کردیم از همان زمان فتحعلی شاه بیامردی قائمقام و سپس در دوران  
زمانمداری امیر کبیر گروههای دانشجو برای کسب علوم نوین با اروپا اعزام شدند . اینها  
در مدت اقامت خود در اروپا تحت تاثیر لیبرالیسم بورژوائی که برای آنها در حکم افسانه



## - ۲۸ - xalvat.com

و خرق عادت بود قرار میگفتند و چه بسا با اندیشه های انقلابی پایران باز میگشتند .  
 فارغ التحصیل های دارالفنون که امیر کبیر انرا بنیاد نهاد چیزهایی از دموکراسی  
 اروپائی آموختند و برای آنها آسان نبود که درقبال استبداد شرقی سلطنتی بی اعتنا  
 بمانند و طبعاً تعدادی از آنها به نبرد کشانده میشدند . عده ای نسبتاً شایان  
 توجهی از افراد مرفعی ایران در مصر و خاصه در اسلامبول گرد آمده و موفق شسده  
 بودند سازمانهایی نسبتاً متشکل برای مبارزه علیه دستگاه فاسد فرمانروا در ایران بی -  
 ریزی کنند و هموطنان خویش را بمقاومت علیه حکومت مطلقه سلطنتی قراخوانند .  
 سید جمال الدین معروف بافغانی یکی از شخصیت های انقلابی زمان خود بود که  
 باتفاق معدودی از همراهان از قبیل آقاخان کرمانی ، شیخ احمد روحی و خبیرالملک  
 به نشر اندیشه های آزاد یخواهان پیداختند . اینها مذهب را محور جنبشهای اجتماعی  
 میشناختند و بهمین جهت موضوع اتحاد اسلام در مرکز تبلیغات آنها قرار داشت .  
 نقشی که سید هر قدر هم تا حد زیادی سطحی و ناپایدار در سیاست آن روزگاران  
 ایفا کرد بطور عینی جنبه ی مرفعی نیرومند داشت . وی یکی از داعیان اتحاد اسلام  
 بود . از مبانی اقتصادی و اجتماعی انقلابها و دگرگونیهای تاریخی چیز مشخصی  
 نمیدانست همبازرات طبقاتی در حیطه ی درک او نمیگنجید . خود را با توده های  
 مردم مرتبط نمیساخت . بسراغ پادشاهان و سلاطین میرفت تا آنها را وسیله ی اجرای  
 اندیشه های خود قرار دهد و چون از این رهگذر نا امید میشد بخد آنها پسر  
 میخواست . اما این عادت بطور عهد متوجه مطلقیت سلطنت بود . نه نظام سلطنتی  
 با این نحوی برخورد بمسائل بود که او بماسونیزه گرائید و آنرا ملامت طبع خود یافت .  
 میرزا آقاخان کرمانی یکی دیگر از روشنگران بنام ایران و دارای تبلیغات چندی  
 است که او را جز بهترین نمایندگان نهضت انقلابی روزگار خود معرفی میکند . وی  
 سردبیر روزنامه احترام چاپ اسلامبول بود . این روزنامه و همچنین دو روزنامه دیگر شریا و  
 پرورش که بطور قاجاق پایران فرستاده میشدند از طریق تحلیل انقلاب امپراطوری عثمانی  
 حمله بامتیازاتی که در ایران به بیگانگان داده میشدند ، دعوت مردم به پایداری در  
 برابر استبداد سلطنتی ، نقش موشی در بیدار ساختن افکار عمومی ایفا کردند .  
 میرزا ملک خان که از زمره ی طرفداران سید شناخته میشد و یکی از ماسونیهای  
 برجسته ایران بود روزنامه ای بنام قانون در لندن منتشر ساخت که در آن از دموکراسی  
 و قانونیت دفاع میشد . همچنین مجله ی هفتگی حبل المتین چاپ هندوستان و حکمت  
 چاپ تبریز بدرجات گوناگون در گسترش نهضت فکری توده ایرانی شرکت جستند .



- ۲۹ -

بتا بر آنچه گفته شد روشن میگردد که ماسونهای ایرانی در زمره نخستین گروههایی بودند که علیه استبداد سلطنتی بهارزه برخاستند . این واقعیت به برخی تعبیرهای نادرست و القا شایستهها میدان داده و سهپ شده است که مسائل بسیاری خلط گردد و تاریخ انقلاب مشروطیت ایران در معرض دستبرد ها و تحریفهای تاسف آوری بسود دشمنان انقلاب قرار گیرد . بنا بر این بمنظور هر چه روشن تر ساختن این گوشه از حوادث مربوط به انقلاب و رفع بسیاری سوء تفاهم های تاریخی مربوط باین دوران ادای برخی توضیحات را ناگزیر و الزام آور میبایم .

ماسونیزم از همان اوان فعالیت خود در ایران و در بهترین حالت خود مسلکی بود مطلقا غیر توده ای ، ذاتا متعلق بگروه نخبگان ، و بطور عمده و در اساس کار در بین قشرهای مختلف حاکمه ، درباریان ، اشراف ، شاهزادگان و برخی روحانیون متنفذ و دارای جاه و عنوان گسترش یافت . وجود کسانی مانند میرزا یحیی خان مشیرالدوله ، میرزا حسیخان سپهسالار ، میرزا حسن خان مشیرالدوله ، ظل المظفران قوام الدوله ، موقرالسلطنه ، میرزا نصراله خان مشیرالدوله ، و نظایر آنها که در نیمه دوم سلطنت ناصرالدینشاه و سالهای سلطنت مظفرالدین شاه جزء سرمداران ماسونیزم بوده اند ، بهتر از هر چیز محرک ماهیت این مسلک است ، تردید نیست که تسوجه بلزوم گسترش صنایع ، جای محینی در اندیشه ی اصلاح طلبانه ی برخی از رهبران — سونری دارد و می توان آنان را طلایه دار لیبرالیسم بورژوائی بشمار آورد . اما هیچ یک از آنها رابطه ی خود را بانظام فتووال سلطنتی نبریدند و از آن نگسستند .

جهت نیست که میبینیم تلاشهای اولیه ماسونیزم بر محور برخی اصلاحات و جرح و تعدیلها در نظام سلطنتی موجود ، کاستن از اختیارات مطلقه ی شاه ، نه به سود توده های مردم ، بلکه بسود نوعی دموکراسی مختلط اشرافی — بورژوائی از طریق ایجاد یک شورای دولتی اشرافی دور میزد . رهبران ماسونی از حکومت قانون " و " استقرار عدالت اجتماعی " سخن گفته اند و بررو بهم برآن بود ه اند که این عدالت اجتماعی " را در قالب اشرافیت فتووالی و در چارچوب نظام سلطنتی با آمیزه ای از گسترش صنایع و در عین حال در خارج از حیطه ی تاثیر توده های مردم فصلیت بحثند . گاهی در نوشته های خود دید وسیعتری از خود نشان داده اند و حتی از جمهوری نام برده اند اما بطور گذرا و بدون کوچکترین پیگیری غیر عکس در تمام موارد حساس خود را آماده ی هر گونه سازشکاری نشان داده اند . ملکم خان برجسته ترین فرد آنها این خاصیت سازشکاری را چه در برابر ناصرالدینشاه چه در برابر مظفرالدینشاه و سرانجام چه



- ۳۰ -

در برابر میرزا علی اصغر خان اتابک بارها و بارها از خود نشان داد، در بین دیگر سرجنیانان ماسونیزم هیچکس را نمیتوان یافت که از این استاد، در آراء و اندیشه های انقلابی نمای خود پدیدارتر باشد و این خاصیت مشخص و وابستگی ماسونیزم ایران به لژ انگلستان سبب شد که ماسونها در حساسترین لحظات حیات انقلابی بورژوازی خیانت در غلظت و به نیروهای ضد انقلاب پیوندند و انقلاب را در دقایقی گسسته پیروزند بنظر میرسید چنانکه در پایان داستان به تفصیل خواهیم دید بشکست بکشانند.

ماسونها در اوان جنبش از یکسو نسبت به گروه های انقلابی دارای موقعیت سیاسی و اجتماعی مرجعی بودند و از جانشی به سبب همین موقعیت در نشر اندیشه های نیپند اصلاحی خود در بین توده های مردم توانائی بیشتری داشتند، از امکانات وسیعتری برخوردار بودند و آسانتر میتوانند معتقدات خود را در بین ایمن توده ها رسوخ دهند. در حالیکه اندیشه های انقلابی اصیل، نمایندگان برجسته ای که بتوانند از نقطه نظرهای خود دفاع کنند و ماسونیزم را بطایفه یک پوشش نسبی انقلابی فاش سازند نداشتند. بنابراین میتوان گفت ماسونیزم در مواردی سبب متوقف ماندن این اندیشه ها میشد و در مواردی از سرعت انتشار آنها می کاست و سیر تکاملی آنها را دچار کند می ساخت.

[xalvat.com](http://xalvat.com)

به همین سبب داعیان ومدافعان رنگارنگ ماسونیزم تا حدود زیادی موفق شدند که نه تنها خیانت بزرگ ماسونیزم را به انقلاب اصیل مشروطیت و ماهیت بکلی ضد انقلابی آنها در پرده های از سفیله پپوشانند، بلکه اساساً مبارزات خلقی را بطور عمده و حتی رهبری نهضت را صاف و ساده به حساب ماسونیزم بگذارند و این تلاش از زمان ادوارد براون مولف انقلاب ایران تا روزگار ما همچنان ادامه دارد.

حانم پروفیسور لمبتون که او را در شمار ایرا شناسان قدر اول معاصر انگلیسی گرفته اند، در این زمینه با تاکید تمام مینویسد که یکی از این مجامع (مجامع انقلابی دوران مشروطیت) دسته فراماسونها بودند که آنها را اصطلاحاً فراموشخانه می نامیدند. در این سازمان عد های که بعداً رهبری مشروطیت را عهده دار شدند جزء فراماسونها بودند. (۱) (تکیه از ماست. ن)

۱- "انجمن های سری در انقلاب مشروطیت" ترجمه و نوشته ی اسماعیل راین.



- ۳۱ -

اسماعیل رائین از همکاران ایرانی خانم لمبتن نیز در اثبات شرکت موثر \* لژ فراماسونری در جریان انقلاب مشروطیت پیگیری فراوانی از خود نشان میدهد و او نیز در این زمینه تا بد آنجا پیش میرود که با گشاده دستی زمام رهبری انقلاب را بدست لژشینیان میسپارد و با استناد به گفته های ابراهیم حکیمی - حکیم الملک - و مندرجات اطلاعات هفتگی با قاطعیت تمام مینویسد:

"با اشاره ای صریح و روشنی که حذیقی در باره ی فعالیت "کلوپ بیداری ایران" نموده و با توجه با سامی مندرجه در مقاله ی اطلاعات هفتگی و نوشته ی ملکزاد ه هرنوع ابهامی که در باره ی شرکت فعالانه ماسونهای ایران در انقلاب مشروطیت ایران وجود داشته از بین میرود و مسلم میگردد که لژ بیداری ایران پس از اطمینان به پیروزی انقلاب مردم چگونه انقلاب را هدایت و رهبری کرده و مقاصد استاد اعظم را اجرا نمود تا اند \* (۱)

جنبه طنزی که در این نوشته مشاهده میشود از قبیل "پس از اطمینان به پیروزی" و یا "اجرای مقاصد استاد اعظم" هیچ چیز را تغییر نمی دهد \* هیچ پرسوی به زوایای تاریخ و مبهم جریان نمی افکند \* تنها از یکموج درهم اندیشی ، خلط مباحث و استنتاج نادرست حکایت می کند \*

زمان مورد اشاره نویسند ه هنگامی است که نهضت تا حدودی از یرلا تکلیفی اولیه خارج شده ، خط سیرها کمابیش مشخص گردیده و نهضت اصیل ایران اندک سرو صورتی بخود گرفته بود \* در این زمان بطور عمده و سازمان سیاسی جداگانه وجود داشت یکی همان "کلوپ بیداری ایران" و یا در حقیقت لژ فراماسونری و دیگری "کمیته مخفی" "اجتماعیون عامیون" مرتبط با حزب سوسیال دموکرات ایران بنام همت که مرکز رهبری آن در پاکو بود و آنرا انقلابی بنام ، حیدر عموغلی در ایران راه میبرد \* درباره فهرست اسامی که یکی از موارد استناد نویسند ه است باید توضیح داد که کسانی مانند تقی زاده ، برادران نواب و حکیم الملک که از سرچینیان اصلی لژ فراماسونری بودند در عین حال در کمیته ی اجتماعیون نیز شرکت داشتند و همین ها و هم مسلکان دیگر اینها بودند که با یاری هم مسلکان انگلیسی خود توانستند نهضت انقلابی ایران را از مسیر اصلی خود منحرف سازند \* و آنرا مالا بورطه شکست بکشاند و بار ننگ این خیانت بزرگ را بدوش بکشند \* و در عین حال تاریخ پر خماسه ی این انقلاب را آلوده و تحریف کنند \*

۱ - رجوع شود به "انجمنهای سری در انقلاب مشروطیت" ترجمه و نوشته ی رائین

- ۳۶ -

رائین که مسلماً باین مسئله بی توجه نبوده است میگوید برای این خیانت کبرا عاملینی بخیر از فراموشیها بچوید و آنها به حساب "عقبه بوسهائی" که در نوشته های او بی نام و نشان می مانند، بگذارد. اینست که در یکجا می نویسد:

"متأسفانه در روزهایی که ثمره مبارزات و فداکاریها و از جان گذشتگی های آزاد یخواهان آشکار میشد ناگهان انگلیسها عوامل پشیمان و آشکار خود را به میدان مبارزات فرستادند و مسیر طبیعی و اصيل قیام آزاد یخواهانه ی مردم را منحصر ف ساختند." (۱)

xalvat.com

و باز جای دیگر:

"آنچه در سراسر اسناد وزارت خارجه انگلیس در دوران مشروطیت به چشم میخورد انحطاط و تنزل اخلاقی عدای از خواص مملکت است که از میان آنها از امام شهر گرفته تا شاهزاده درباری و مستوفی و داروفه وجود داشته اند و همگی برای عقبه بوسی و خبرچینی به سفارت انگلیس روی می آوردند." (۲)

دکتر ملک زاده نیز در تاریخ مشروطیت خود (جلد اول) همین مطلب را با لحن دیگری بزمیان میکشد و از "مناقین" زبان بشکوه میگشاید که "تا دیروز مشروطیت را مخالف صلاح و اخلاق ایرانیان معرفی میکردند و در مجالس ملی راه یافتند و عضویت يك یا چند انجمن را بدست آوردند."

اما اشکال اساسی کار این زمره نویسندگان، قطع نظر از ملاحظات دیگر، در آن است که در ما را کلی بافیها، ککی در شناخت این "مناقین" و "عقبه بوسهائی" نمی کنند، بلکه عرجا در برابر نمونه های مشخص فرار گیرند، یا لب فرو می بندند یا پتحو ی برداشت کلام می کنند که مسائل در ذهن خواننده خلط میشود و سردرگمی ایجاد میگردد.

رائین از طرفی رهبری انقلاب را چنانکه دیدیم صاف و ساده بدست ماسونها می سپارد، در عین حال فراموش نمی کند که با لحن طنز آمیزی بنویسد که آنها مقاصد "استاد اعظم" را انجام می دادند، بدین اینکه محترض این نکته بشود که بطمس

۱ و ۲ - رجوع شود به آنچه های سری در انقلاب مشروطیت ترجمه و نوشته رائین.





- ۳۳ -

مشخص این مقاصد چه بود و از طرفی گریبان چاک میزند که انقلابی که ماسونها آنرا رهبری میکردند آنگاه که داشت پشمره میرسید عمال انگلیس سر و کله شان پیدا شد و انقلاب را بشکست گنجانند. وی با این شیوه ظریف و پوشیده حساب ماسونها را از حساب عمال خرابکار بریتانیا جدا میکند و آنها را در برابر هم قرار میدهد. وی فاش میگوید که عاملین انگلیس تا پشت در اطاق خواب مظفرالدینشاه راه یافته بودند. اما از سوئی خود داری میکند از اینکه مشخص سازد این شخص موقر السلطنه داماد شاه و عضو لژ فراماسونری بود که میتوانست تا پشت اطاق خواب شاه پیش برود. خود داری میکند از اینکه روشن سازد موثرترین عمال بریتانیا و نابکارترین منافقین از ماسونها بودند. در بین آنها کسانی مانند میرزا نصرالله خان مشیرالدوله، ناصرالملک، علاء السلطنه، میرزا حسنخان مشیرالدوله و امثال آنها را مشاهده میکنیم، کسانی که آنچه را در روشنائی روز و با دقت تمام از صالح تهرن و محرمترین مقامات ایرانی میپوشانیدند در پناه ظلمت شب در پرسن دیوار سفارت انگلیس با سفیر بریتانیا در میان میگذاشتند و ما در جریان بررسیهای خود ضمن این تاریخچه، چگونگی کاریسیاری از آنها را روشن خواهیم کرد و از مسئولیت تام و تمام آنها در کشتن انقلاب ایران بهر طره شکست پرده برخوایم داشت. [xalvat.com](http://xalvat.com)

با همه این معایب و نواقص و با وجود نتایج منفی و مصیبت باری که توسعه ماسونیزم در نهایت کار در مجموع تحرکات انقلابی برجای گذاشت باز باید تعدادی از ماسونها را در آغاز فعالیت آنها جزء روشنگران ایران بدانیم. دوران روشنگری از آخرین سالهای سده گذشته در مسیر تکاملی شریخی افتاد. روشنگران انقلابی اصیل متعلق بطبقات و قشرهای گوناگون برای بیدارساختن توده های مردم دست فعالیتهای گسترده تری زدند. پیدایش این گسروه خود از عوامل محیسنسی ناشی میشد.

یکی از سرچشمه های عمده در تربیت عمده قابل توجهی از این زمره روشنگران، روسیه سرزمین نزارها زندان ملت های اسیر بود. اندیشه های انقلابی از قفقاز و از طریق آذربایجان بداخل ایران راه می یافت. این استان که چه از لحاظ بازرگانی و صناعت و چه از لحاظ وضع اجتماعی از استانهای پیشرفته ایران در آن روزگاران محسوب میشد بردوازه روسیه از طرفی و عثمانی از طرف دیگر قرار داشت و بطور عمده از حوادث این دو سرزمین و در رجه اول از رخداد های انقلابی روسیه تاثیر می پذیرفت.

ازدیرباز هر ساله تعداد بیشماری از ایرانیان در مانده و پریشان ترك یا رودبار گفته، در جستجوی کار به استانهای مرزی و گاه حتی ینقاط دوردست، روسیه مهاجرت میکردند. از سالهای آخر قرن گذشته بحلت رکود کار، رواج هرچه بیشتر فقر و پیدایش زنجیرش حکمداران و مالکین، پرو سعت این مهاجرتها افزود چنانکه تعداد ایرانیان مقیم روسیه



- ۳۴ -

راد رہنزمان تاسیخند و شصت هژا ریفرتخمین زد ماند \*

اکثریت عظیم این اردوی بزرگ کا براد هفتانان شهیدست و بی زمین تشکیل میدادند \*

در بین گروه پیشرو و انقلابی این توده عظیم باسوسیال دموکراتهای قفقاز ارتباط استواری بوجود آمد \*

تعداد بسیاری از آنها در اتحادیه های کارگری متشکل شدند \*

مترقی ترین عناصر آنها باسوسیالیزم علمی آشنائی یافته و از تعلیمات انقلابی لنین و حزب بلشویک چیزهایی شنیده بودند \*

اینها در سال ۱۹۰۴ سرانجام سازمان سیاسی مستقل خود را بوجود آوردند \*

بدین ترتیب حزب سوسیال دموکرات ایران بنام "گروه همت" تشکیل شد \*

اعضای این حزب در مجموع کارهای خود از کمپانی پید ریخ حزب سوسیال دموکرات قفقاز و فرد برجسته ای مانند تریمان نریمانوف را که آنچه راهگانش بود در این راه انجام داد - برخوردار بود \*

تعداد زیادی از زحمتکشان ایران عملاً در رهبری انقلابی سال ۱۹۰۵ روسیه شرکت جسته و در جنگهای خیابانی و باریکادی تجربه های فراگرفتند \*

فعالین این گروه در همان اوان تشکیل حزب بداخل ایران اعزام شدند \*

طولی نکشید که در تهران، تبریز، مشهد، اصفهان و رشت هسته های سوسیال دموکرات با برنامه های جداگانه بوجود آمدند که همه آنها بطور کلی از حزب سوسیال دموکراسی روسیه تاثیر پذیرفتند \*

برنامه این حزب نخستین سند مارکسیستی است که بنحویه کاملی بزبان فارسی ترجمه شد \*

مترقی ترین برنامه سوسیال دموکراتهای ایرانی، برنامه گروه همت مقیم قفقاز بود که در آن از آزادی اجتماعات، آزادی بیان و قلم، آزادی اتحادیه های صنفی، حقوق برابر برای همه خلقها و پیروان ادیان مختلف و تقسیم زمین بین دهقانان سخن بیان آمده بود \*

xalvat.com

این رابطه ایران و سوسیال دموکراسی قفقاز بعلمت وجود عوامل نوین تقویت شد \*

در همان سالهای اول قرن بیستم، ایران یکی از راههای ارسال ادبیات مارکسیستی مربوط به حزب سوسیال دموکرات روسیه از قبیل ایسکرای لنینی، زاریا و غیره مبدل گردید \*

اینها در اروپا تحت نظر لنین چاپ میشد و قسمتی از آنها از راه ایران با باشرت گروه مختلطی از سوسیال دموکراتهای قفقاز و ایرانی و افراد مترقی ایران بطور قاچاق از راه ایران به روسیه ارسال میشد \*

این ارتباطات وسعت بیشتری بفعالیت تبلیغاتی سوسیال دموکراتهای انقلابی ایران میداد \*

مهمترین کاریکه در این زمینه میشد عبارت بود از تدوین و نگارش مقاله ها و رساله هاییکه نگارندگان آنها روشنگران ایرانی، منعکس کنندند اندیشه های انقلاب پوزوایی بودند \*

این رساله ها به پاکو ارسال میگردد، در آنجا چاپ میشد و بتوسط همین گروه بداخل ایران بازگردانیده و بین مردم پخش میشد \*



- ۳۵ -

قطع نظر از گروه انبوه کارگران، عمده شایان توجه پس از تجار و کسبه و صاحبان حرفه های مختلف ایرانی به روسیه و مخصوصاً قفقاز آمد و شد داشتند. غالباً سالها در قفقاز میماندند و با برخی اندیشه های مربوط به آزادی و ترقی و اصلاح اجتماعی آشنا میشدند و حتی بطور مشخص زانندیشه های سوسیالیستی توتشه های برمیگرفتند و در بازگشت به ایران در اشاعه این اندیشه ها میکوشیدند.

پس از قفقاز از اسلامبول میتوان نام برد که مرکز عمده دیگری بود برای آمد و شد بازرگانان و روشنگران ایران که با آنها میرفتند و با افکار تازه با ایران بازمیگشتند و این افکار را بیان مردم میبردند.

xalvat.com

xxxxxxxxxxxx

از سوی دیگر شیوه ادبی نوین به اقتضای زمان شروع بشکل گرفتن کرد. ادبیات کلاسیک در قرنهای گذشته بتدریج از نودها دور گردیده در کسوت زبان عربی بهشابه برهان قاطع دانش پیچیده شده در داخل کاخهای سلاطین و فئودالها خزیده و در برجهای عاج اشرافیت فئودالی زندانی شده بود. از زندگی عمومی جدا مانده و بگروهی از خواص اختصاص یافته بود. توده های مردم بیگانه با زبان ادبی اشرافی در زیر سیوغ نادانی و بیسوادی دست و پا میزدند و با آنها چنین تلقین میشد که آنچه بر آنها میروند دست سرنوشت پریشانی آنها رقم زده است و راه چاره بسته!

اما اینک شیوه ادبی نوین سعی داشت مردم نزدیک شود. نویسندگان میکوشیدند چگونگی زندگی سیاسی و اجتماعی مردم و عوامل اسارت آنها را بدان حد که خود میخواستند برای توده ها تصویر کنند و آنها را بمرحله درک آگاهانه موقعیت تاریخی خود بکشانند. از نمایندگان برجسته این شیوه که در دوران تدارک انقلاب رواج یافت میرزا ملکم خان که پیش از این از وی نام بردیم، عبدالرحیم طالب اف و میرزا زین العابدین مراغه ای را میتوان نام برد. با این تفاوت که ساحت و متن اخیرالذکر از برخی آلودگی های سیاسی مبرا بود. اهمیت کار این روشنگران انقلابی در اصلت کار آنها و در آن روحیه سالم و بی غل و غش و آن شور و هیجان انقلابی مآبی است که در رسارسر نوشته های آنها موج میزند و اگر احواله بزرگی که بزور تبلیغات طولانی و ازیرکت موقعیت سیاسی و برخی وابستگی های غیر سالم و قدمت زمانی برگرد سرکسانی چون میرزا ملکم خان ایجاد شده است بگذریم، باید بگوئیم این دو متن در گسترش اندیشه های انقلابی و ایجاد تکان در جامعه زمان خویشی دارای موقعیت ویژه ای هستند.



- ۳۶ -

طالب اوف فرزند يك دوره گرد تبریزی و مردی خود ساخته بود. در عنفوان جوانی ترک یارو دیار گشته بسوی قفقاز رفته و در آنجا دانش و دارائی اندوخته بود. از اندیشه سوسیال دموکراسی تا حدی تاثیر پذیرفته و با اصول سوسیالیسم یکنوع آشنائی خام اما توأم با علاقتندی پیدا کرده بود. از جمله آثارى که از او باقی مانده کتاب احمد و "مسالك المحسنين" را میتوان نام برد. کتاب اخير شرح يك مسافرت رويايى است که ضمن آن نویسنده کوشید هاست تصویرى خوانا از اوضاع زمان تصود ترسیم کند. وی در این کتاب، ایران را "پیرانسرای درهم و آشفته" وصف میکنند که "مرد می تیره روز از دهقانان و تاجر و مالک در آن زندگی میکنند". و برضعف و زبونی دولت که با دستی بریکر منته شده مردم بی پناه تازیانه میزند و با دست دیگر غبار از کفش "مأموران بیگانه و مترجمین کثیف" آنها میزداید، نوحه سر میدهد. از فقدان سازمان صحیح اداری، جور حکام، فساد دربار، نیرنگ و سالوس روحانیون و فقر و فلاکت عمومی داستانها دارد. [xalvat.com](http://xalvat.com)

وی در مان همه درد هارا "قانون" و اخذ تمدن و فرهنگ اروپا بدون تقلید کورانه از آنها و منهای جنبه سود پرستی و در واقع ماهیت استعماری آنها میدانند، اصلاً طبعاً نمیتواند بگوید این رنگ را چسان میتوان بگردن گریه بست، گوشه ای از مندرجات کتاب که روشن بینی و وسعت نظر طالب اوف را نشان میدهد، گفتگوئی است خیالی بین قهرمان کتاب و کدخدای بایسنقر. وقتیکه به کدخدای پیشنهاد میکنند که بجای گندم چیزهای پردرآمد تری بکارند، کدخدا به او جواب میدهد:

"اگر ما هد اخل جدیدی برای خودمان پیدا کنیم آنوقت باید از دست مالک بگریزیم. وقتی خواستیم مرعای و غاز نگه داریم که گوشتش را بخوریم و مویش را بفروشیم. ملکد از زهر دانه مرغی يك پنا یاد مالیات خواست. این فرمایش رجاى است که رهیت مالک باشد. آنوقت هر کس در توسیح زراعت و تزئید ثروت خود بذل مساعی کند..."

و طالب اوف آرزوی دور و دراز خود را از زبان قهرمان افسانه ای چنین بیان میکند:

"پس من برای آسودگی شعاب شما افشا میکنم. ولی یکس نگویید تا وقت آن برآید. مقرر شد هاست که بواسطه یک هیئت موثقه اراضی ملاکان ایران قسمت شود. آنها را به تبحه تقسیم نمایند که در عرض سی سال هر کس سهم خرید قسمت خود را بثمانت دولت ایران بصاحب ملک ادا کند. اگر کسی بخواهد بگیرد یا تزیل صد و سه هروقت مختار است از یاتک پادشاهی پول خود را اخذ نماید. بعد از این نباید در ایران مالک باشد." (۱)

این را طالب اوف قریب هفتاد سال پیش از این نوشت.



- ۳۷ -

کتاب موفق دیگری که بر همین بنیاد و با همین سبک عاقلانه و فهم نوشته شده است، "سیاحتنامه ابراهیم بیگ" نام دارد. نویسندۀ این کتاب زین الحایدین مراغه‌ای است، یک مرد خود ساخته دیگر - ناجری از اهل مراغه که او نیز سالها در قفقاز بود و با افکار تجدیدخواهانۀ آشنائی پیدا کرد. کتاب حاوی سرگذشت خیالی یک جوان ایرانی فرزند یکی از بزرگانان ایرانی است که با هزاران اشتیاق از عصر برای مشاهده اوضاع میهن خویش به ایران سفر میکند و مشاهدات تلخ خود را در زمینهای سرراه در ایران به رشته نگارش میکشد.

xalvat.com

ابراهیم بیگ این قهرمان خیالی آنچه را که در سراسر ایران می بیند برخلاف انتظار خود میباید. هر جای میگذارد حکام را سرگرم تاریخ مردم، دیوانیان را در تخم خلیق، خلق را با تکلیف و ناامید، روحانی نمایان را در زکا فریب و افعال مردم، تاجر و کاسب را از فنون کسب و تجارت عاری و بی سر، عامه را دست بگیربان با بیکاری و شمشیر و بیماری میباید. همه جا با آنها به مهاجمه و جرم بحث میپردازد و در مورد اوضاع ایران را با دیگر بلاد پیشرفته قیاس میکند. ناله زدند بر میکشند که "در تمام ولایات قریب مردم از بیاد حکام با آسمان میرسد." دست بردست میساید که "شهرها همه خراب و چون گورستان است." از مردم بیفکرو لاقید اند و هگین است که "زند هاند ولی مردم، مرد هاند و لمسی زنده."

قصه دیدار اولیا، امور میکنند که علت این همه انحطاط و بد بختی و عقب ماندگی را از آنها جوابا شود. از وزیر داخله میپرسد چرا در این سر زمین بیمارخانه نیست، دارالحججه نیست، دارالصنایع نیست، راه شوسه نیست، کارخانه نیست، تعادل واردات و صادرات بکلی بهم خورد، چرا حکومت، داروشکی، گمرکات به اجاره داده میشود. چه سراسر ما مورین به حساب و کتاب مردم را سرکشی میکنند و غرق در فسادند؟ و جواب وزیر داخله به او اینست: "هرزه درائی تمام شد یا یا زهم هست؟ مرد که استحقاق این فصولها را کدام پدر سوخته بتو یاد داده است؟"

سرخورد و پریشان بدیدن وزیر خارجه میروند. از قضاحت کسولها و سفیران در سر زمینهای بیگانه، از زدیها و دغلیهای آنها، حرص آنها در تاراج هست و نیست ایرانیان و فلاکت و بی پناهی ایرانیان که از شدت درماندگی بتابعیت دیگران پناهنده میگردند داستانها میسراید. در جواب وزیر خارجه پا و چنین میگوید "تربیت عربستان بهتر از این نمیشود. عجب مرد که فصول و بی مغزی" و او را از خود میراند.

او هنوز دست بردار نیست. بسروقت وزیر جنگ میروند. چرا در ایران برنج و باره و استحکامات برای حفظ و حمایت مردم وجود ندارد. چرا در نظام، هیچ سازمانی نیست



- ۳۸ -

اگر ایران در حال صلح است، ویست هزار سرباز که بروی کاغذ آمد، برای چیست؟ چرا سرباز باید با کالرگیل معاش خود را تأمین کند؟ این همه سرتیپ و میرپنج و امیرتومان و سردار برای چه؟ اگر در حال جنگ است، از ویست هزار سربازی که فقط بروی کاغذ آمد و در خارج وجود ندارد، از امیرتومانها و سرهنگها تیکه لقب و درجه رابه ارث برد مانند چه ساخته است؟ ویاسخ و زهر جنگ بوی آنست که دستور میدهد او را بقصد کشت بزنند و سرها برهنگه و مجروح از دبر بیرون اندازند.

xalvat.com

اونیز چاره در رد قانون میشناسد که در پرتو آن حقوق چهارگانه تأمین میشود، حق متعلق بوطان، حق متعلق به ابناى وطن، حق متعلق به هیئت عمومیه افراد وطن، و حق متعلق به اداره امور وطن.

اما اینها همه آرزوست، و آرزوها دست نیافتنی، ابراهیم بیک از شدت ناامیدی دچار تشنج میشود، کلاه بر زمین میزند، کلاه بچراغ میگیرد، چراغ میافتد، نفت در کف اطاق ولو میشود و آتش میگیرد، بیانی سمبولیک از انقلابی که در پیش است و با این سرگذشت ابراهیم بیک به پایان غم انگیز خود میرسد.

و بسیار جالب توجه است که پروفیسور ادوارد براون مددوح سید حسن تقی زاده در کتاب "انقلاب ایران" که تقی زاده آنرا با ارزشترین کتاب تاریخی میداند که در باره انقلاب مشروطیت نوشته شده، صفحات متعددى رابه بزرگداشت سید جمال الدین و میرزا ملکخان اختصاص میدهد و یادست و دلپازی تمام پستایش آنها بمنابۀ بی افکنان کاغذ رفیع نهضت مشروطیت میپردازد. ولی درباره این گروه از روشنفکران اصیل که نمایندگان سالماند پشه انقلاب بورژوازی ایران بودند سکوت اختیار میکنند و این نخستین تحریفی است که در تاریخ انقلاب ایران انجام گرفته و مبدل بسنگ بنائی شده است برای تبلیغات گسترده ای بسود ماسونیزم و فراماسونرها در طول مدتی بیش از نیم قرن.

نظیر این تغییر و تحول تاحدی در مضمون و محتوای شعر اگر نه در شکل و قالب آن نیز روی داده، بموازات شکسته شدن بسیاری سنتهای متحجر اجتماعی و اقتصادى گذشته شعر درون گرای سنتی بجهتجوی مضمون و محتوای نوین و درازمدت بجهت سرائیهای ریاری و پیاغاشقانه برخاست و با برداشتی تازه بزندگی نزدیک شد، جوانه های عناصر خلاقه اجتماعی در شعر برخی شاعران شروع بشفکتن کرد و شعر را بسوی تحرکات انقلابی سوق داد. شعرا در همان قالبهای سنتی و درخامی کودگانه خود شروع کردند با اینکه موقعیت زمانی و مکانی خود را و وابستگی خود را بجامعه و مردم درک کنند، شاعران دوران انقلاب نخستین البته لرزان ترین و سست ترین قدمها، از لحاظ شکل و قالب را بسوی تنجد برداشتند، مدیحه های آنها بسوی خلق و قهرمانان خلق که تجسم آرمانهای

- ۳۹ -

انقلابی خلق بودند توجه پیدا کرد و چون آذربایجان مرکز انقلاب مسلحی بود که خود نقطه عطفی در تمامی جریان انقلابی دوران مشروطیت محسوب میگردد، اینگونه اشعار در آن ریایجان و بزبان آذری گسترده ترشکفته شد.

xalvat.com